



The Dimensions of Hydraulic Mission in Turkey's Hydropolitics

S.Z. Ghoreishi¹, H. Mianabadi^{2*}, and E. Hajiani³

Abstract

New global challenges such as strong willingness to development and climate change highlighted politics, security water, and identity nexus so that water resources have become a soft tool for achieving political goals. Therefore, it is important to pay attention to the dynamic and complex interactions between water and politics throughout the world, especially in Western Asia as a highly stressed region. Among the West Asian countries, Turkey is one of countries that has been using a considerable part of its water resources to build economic power, advance political strategies and achieve Hydro-hegemony in recent decades. This paper describes Turkey's hydraulic mission in three categories: domestic hydraulic mission projects and nationalize its waters, water transfer projects from Turkey to its neighbors and gets the opportunities from its waters, last but not the least, transboundary water projects and legitimize its hydropolitical actions. In addition, it will be shown how Turkey's government follows up the absolute territorial integrity in their discourses, but in practice, they apply Strategic Depth Doctrine and adopted Hydraulic Mission. Generally, Turkey tries to dominate its neighboring and some non-neighboring countries by Turkey's water and its hydropolitics actions. The results of this study show these projects are not merely aimed at compensating water scarcity in destination countries. Because the volume of water that will be transported can only compensate for a very small fraction of the water scarcity. While they can cause serious economic, security and environmental challenges. Water dependency, as the most indispensable resource for human life, will be one of Turkey's strategies and tools for gaining power in the highly critical Western Asian region.

Keywords: Hydropolitics, Opportunitisation, Nationalism, Hydraulic Mission, Strategic Depth Doctrine, Territoriality.

Received: January 12, 2020

Accepted: April 6, 2020

تحلیل ابعاد مأموریت هیدرولیکی در هیدروپلیتیک ترکیه

سیده زهرا قریشی^۱، حجت میان‌آبادی^{۲*} و ابراهیم حاجیانی^۳

چکیده

چالش‌های نوین جهانی از جمله میل شدید به توسعه‌یافتگی و تغییر اقلیم سبب پررنگ شدن پیوند «سیاست، امنیت، آب و هویت» شده به گونه‌ای که منابع آبی به یک ابزار نرم برای پیشبرد اهداف و نفوذ سیاسی تبدیل شده است. از این‌رو، توجه به اندرکنش پویا و درهم‌تنیده آب و سیاست در کنار عواملی همچون تغییرات اقلیمی در نقاط مختلف دنیا، بویژه در منطقه شدت پرتنش غرب آسیا، از اهمیت بسیار زیادی برخوردار شده است. در میان کشورهای غرب آسیا، ترکیه از جمله کشورهایی است که در دهه‌های اخیر درصد استفاده بیش از پیش از منابع آبی خود در راستای ایجاد قدرت اقتصادی، پیشبرد راهبردهای سیاسی و دستیابی به هژمونی آبی بوده است. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با اتکاء به منابع کتابخانه‌ای به تشریح مأموریت هیدرولیکی ترکیه در قالب سه دسته از پروژه‌های آبی داخلی و ملی‌سازی آب‌های این کشور، طرح‌های انتقال آب از ترکیه به کشورهای مجاور و فرصت‌سازی از منابع آب و در نهایت، پروژه‌های آبی بین‌المللی و فرامرزی و مشروعیت‌سازی اقدامات هیدروپلیتیکی این کشور می‌پردازد و ارتباط این طرح‌ها با رویکرد هیدروپلیتیکی این کشور را مورد واکاوی قرار می‌دهد. علاوه بر این، نشان داده خواهد شد ترکیه چگونه در ظاهر و صرفاً در مقام اظهارنظر از دکتترین حاکمیت مطلق سرزمینی تغییر رویکرد داده است؛ اما در عمل سعی دارد بنابر دکتترین عمق استراتژیک و به واسطه رویکرد مأموریت هیدرولیکی، کشورهای مجاور و برخی کشورهای غیر مجاور خود را وابسته به اقدامات هیدروپلیتیکی این کشور نماید. نتایج مطالعات نشان می‌دهد که مطرح شدن این طرح‌ها صرفاً با هدف جبران کمیابی آب در کشورهای مقصد نیست؛ زیرا حجم آب انتقالی تنها بخش بسیار کوچکی از کمبود کشورهای هدف را می‌تواند جبران کند. درحالی که بسیاری از این طرح‌ها، هزینه‌ها و تبعات اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و زیست‌محیطی بسیاری به همراه دارند. ایجاد وابستگی به ضروری‌ترین منبع برای حیات بشر، یکی از استراتژی‌ها و ابزارهای ترکیه برای کسب قدرت در منطقه شدت بحرانی غرب آسیا است.

کلمات کلیدی: هیدروپلیتیک، فرصت‌سازی، ملی‌سازی، مأموریت هیدرولیکی، دکتترین عمق استراتژیک، قلمروسازی.

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۱/۱۸

1- M.Sc. Student, Department of Irrigation & Reclamation Engineering, Faculty of Agricultural Engineering & Technology, College of Agriculture & Natural Resources, University of Tehran, Karaj, Alborz, Iran. Post Code: 31587-77871. E-mail: Zghoreishy@ut.ac.ir

2- Assistant Professor, Water Engineering and Management Department, Faculty of Agriculture, Tarbiat Modares University, VardAvard, Tehran, Iran. Post Code: 14977-13111. Tel: 021-48292473, E-mail: Hmianabadi@modares.ac.ir

3- Associate Professor, Member of the Faculty of Science, Research and Technology, Tehran, Iran. E-mail: Ebhajiani@gmail.com

*- Corresponding Author

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی منابع آب، گروه مهندسی آبیاری و زهکشی، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه تهران، کرج، البرز، ایران. کدپستی: ۳۱۵۸۷-۷۷۸۷۱.

۲- استادیار، گروه مهندسی و مدیریت آب، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، وردآورد، دانشکده کشاورزی دانشگاه تربیت مدرس. کدپستی: ۱۳۱۱۱-۱۴۹۷۷

۳- دانشیار، عضو هیأت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، تهران، ایران.

*- نویسنده مسئول

بحث و مناظره (Discussion) در مورد این مقاله تا پایان تابستان ۱۳۹۹ امکانپذیر است.

۱- مقدمه

براین اساس، پیوند درهم‌تنیده «سیاست، امنیت، آب و هویت» یک جنبه مهم و اثرگذار در سیاستگذاری راهبردی و همچنین بهره‌برداری از منابع آبی مشترک است. این پیوند به حدی حائز اهمیت است که ابر قدرت‌ها برای هژمون^۴ شدن، احاطه بر مسائل محیط‌زیستی و به‌ویژه آب را به عنوان یک راهبرد اساسی در دستور کار خود قرار داده‌اند. این چالش‌ها در حوضه‌های آبریز فرامرزی^۵ و منابع آب بین‌المللی، که بین دو و یا بیشتر از دو کشور مشترک هستند، بسیار شدیدتر هستند. براین اساس، اغلب تلاش دولت‌ها برای کنترل و مهار آب‌های حوضه‌های آبریز مشترک یا با هدف کسب قدرت سیاسی برای تأمین منافع سیاسی- اقتصادی (عمدتاً کشورهای بالادست) و یا با هدف کسب سلطه بر منابع آبی مشترک برای تأمین نیازهای جوامع خود با استفاده از قدرت سیاسی و اقتصادی (عمدتاً کشورهای پایین‌دست) صورت می‌گیرد.

مروری بر پارادایم‌های آبی نشان می‌دهد که ایدئولوژی غالب برای کسب سلطه بر طبیعت، استفاده از زیرساخت‌ها و سازه‌های هیدرولیکی، ساخت سدهای مرتفع و توسعه سازه‌های بزرگ مقیاس آبی بوده است (Molle et al., 2009). بطور کلی، برای مهار آب‌های حوضه‌های آبریز از یک استراتژی کلی بنام استراتژی «مأموریت هیدرولیکی»^۶ در حوزه آب و محیط‌زیست استفاده می‌شود. تفکر مأموریت هیدرولیکی بیان می‌کند که هر قطره آبی که به اقیانوس بریزد و انسان نتواند از آن استفاده‌ای کند، تلفات محسوب می‌شود. با این تفکر، دولت‌ها بواسطه توسعه سازه‌های هیدرولیکی در مسیر جریان رودخانه‌ها، آب را تا حد ممکن برای مصرف انسان ذخیره می‌کنند (Wester, 2009). این استراتژی در نیمه دوم قرن بیستم به کشورهای درحال توسعه موسوم به کشورهای جنوب نظیر کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا ورود پیدا کرده است (Balali et al., 2011). در میان کشورهای این منطقه، ترکیه از جمله کشورهایی است که در دهه‌های اخیر درصدد استفاده از منابع آبی خود و بکارگیری استراتژی مأموریت هیدرولیکی در راستای ایجاد قدرت اقتصادی، پیشبرد اهداف سیاسی و دستیابی به هژمونی آبی بوده است. این کشور برخلاف سایر کشورهای منطقه که از منابع نفتی چشمگیری برخوردارند، منابع آبی بیشتری دارد و در تلاش است تا با تعریف و اجرای طرح‌های متعدد آبی در قالب استراتژی مأموریت هیدرولیکی و بدون توجه به ابعاد و تبعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و زیست‌محیطی این طرح‌ها، از منابع آبی خود در برابر منابع نفتی کشورهای حاشیه خلیج فارس استفاده کند.

جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی نشان داد امنیت تنها در بعد نظامی خلاصه نمی‌شود (Rostami and Naderi, 2015). باری بوزان^۱ نگاه تک بُعدی به نظریات سنتی امنیت را چالش کشید و ابعاد امنیت را به پنج بُعد امنیتی نظامی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی و امنیت زیست‌محیطی توسعه داد. لذا یکی از ابعاد امنیت، در شکل جدید، مباحث مربوط به امنیت محیط‌زیست است (Rostami and Naderi, 2015). مسأله آب یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت محیط‌زیستی است. آب، منبعی حیاتی با ماهیتی اشتراکی بین ذی‌مدخلان مختلف (محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی) است که مرزهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به رسمیت نمی‌شناسد (Mianabadi, 2016; Selby, 2005). از سویی دیگر، این منبع استراتژیک تنها در انحصار بشر نیست و برای کل اکوسیستم و حیات تمام عناصر و موجودات زمین حیاتی است. نکته حائز اهمیت در خصوص مسائل آبی آن است که کسب امنیت آبی تنها در گرو حکمرانی مسائل درهم‌تنیده بخش آب نیست (Juvonen, 2015) بلکه بسیاری از محرک‌ها در این زمینه، از خارج از بخش آب بر امنیت آبی اثرگذار هستند. به همین دلیل، فرآیند مدیریت منابع آب اغلب تحت تأثیر تصمیمات اتخاذ شده در بخش‌های دیگر از جمله راهبردها و سیاست‌های کشاورزی و غذایی، امنیت انرژی، زیرساخت‌ها و تکنولوژی نیز قرار می‌گیرند (Grigg, 2019; Gupta and Pahl- (Wostl, 2013).

این مسائل سبب تأثیرپذیری و تأثیرگذاری درهم‌تنیده^۲ آب و سیاست و به تبع آن، درهم‌تنیدگی آب و امنیت ملی کشورها بر یکدیگر شده است (Mianabadi, 2016). تا جایی که مسائل و چالش‌های آبی را نمی‌توان جدای از مسائل سیاسی و امنیتی در نظر گرفت (Iyob, 2010). از سویی دیگر، بسیاری از محققان استدلال کرده‌اند رقابت بر سر کنترل، دسترسی و استفاده از آب، ارتباط مستقیمی با هویت ملی مردمان یک سرزمین دارد (Haftendorn, 2000; Ruettinger et al., 2011). از آنجایی که مسائل آبی با تاریخ و هویت ملی^۳ جوامع درهم‌آمیخته شده‌اند و همچنین جزیی از امنیت ملی دولت‌ها محسوب می‌شوند؛ لذا مواجهه راهبردی با مناسبات و مناقشات آبی برای سیاستگذاران در این حوزه، مسأله‌ای درهم‌تنیده خواهد بود (Zeitoun et al., 2019).

4. Hegemony
5. Transboundary River Basins
6. Hydraulic Mission

1. Barry Buzan
2. Complex
3. National Identity

کرده و معتقدند ساخت سدها برای دستیابی به اهداف سیاسی پیگیری می‌شود. بطور کلی این دسته از محققان، مأموریت هیدرولیکی و سازه‌های عظیم آبی را به عنوان یک راهبرد سیاسی برای کنترل فضا، مردم، آب و قدرت معرفی کرده‌اند (Cullather, 2002; Molle et al., 2009) و معتقدند زیرساخت‌های هیدرولیکی با منطق تفسیر توسعه اقتصادی ساخته می‌شوند، در حالی که بر قدرت سیاسی دولت‌مردان در جامعه اثرگذارند (Molle et al., 2009; Swyngedouw, 1999). برای نمونه (Rusca et al., 2018) به بررسی نقش زیرساخت‌ها و سازه‌های بزرگ مقیاس آبی در شکل‌گیری کشورهای جنوب صحرای آفریقا پرداخته‌اند. بررسی آنها نشان داد که پروژه‌های آبی بطور مستقیم از سیاست‌های داخلی و خارجی اثرپذیر هستند و برای نمونه، اصول و اهداف مأموریت هیدرولیکی در کشور موزامبیک بین سال‌های ۱۹۷۴ تا ۲۰۱۸، به دلیل مسائل داخلی و خارجی تغییر یافته است. (Menga (2016) نیز به بررسی ابعاد مأموریت هیدرولیکی در رودخانه‌های فرامرزی مشترک پرداخت. او نشان داد ساخت سد در حوضه‌های آبریز فرامرزی راهی برای دفاع از هویت ملی، افزایش نفوذ منطقه‌ای و در نهایت به رسمیت شناختن حاکمیت مطلق سرزمین^۲ بر منابع فرامرزی است.

دسته دوم، پژوهش‌هایی هستند که به طور مشخص به تحلیل مأموریت هیدرولیکی کشور ترکیه پرداخته‌اند. برای نمونه، Visage et al. (2018) معتقدند توسعه زیرساخت‌های آبی در استان ازبیر ترکیه برای پروژه «۱۰۰۰ سد کوچک در ۱۰۰۰ روز»^۳ اهدافی فراتر از توسعه سطح زیرکشت و آبیاری مزارع به دنبال دارد. آنها استدلال کردند که چنین پروژه‌هایی می‌تواند قدرت و اقتدار دولت را در مناطق روستایی تقویت کند. در مقابل، برخی محققان عمدتاً ترکیه‌ای، نظیر Conker and Hussein (2019)، معتقدند که استراتژی فرامرزی مأموریت هیدرولیکی ترکیه با هدف بهبود صلح و ثبات منطقه‌ای بوده است، اما کشورهای مجاور چنین اقداماتی را عامل چالش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می‌دانند. (Conker and Hussein (2019) معتقدند بنابر آنچه مصطفی کمال آتاتورک^۴، در یک بیانیه ادعان داشت: «صلح در خانه، صلح در خارج از کشور»^۵ به اصلی‌ترین شعار ترکیه تبدیل شده است. این در حالی است که شواهد و مطالعات مقاله حاضر نشان می‌دهد ایجاد وابستگی به ضروری‌ترین منبع برای حیات بشر، وسیله‌ای برای کسب قدرت خواهد بود و ترکیه نیز با توجه به دکترین عمق استراتژیک به جد به دنبال هژمون شدن در منطقه غرب آسیا است. بر این اساس، باید گفت که در تحقیقات قبلی پژوهشی تا

بر این اساس، در این مقاله ضمن بررسی سیاست‌های راهبردی ترکیه در حوزه مسائل آبی منطقه‌ای، نشان داده خواهد شد که پروژه‌های انتقال آب فرامرزی ترکیه در کنار ابرپروژه‌های ده‌گانه سازه‌ای در داخل این کشور و همچنین اقدامات ترکیه در پروژه‌های آبی که در سایر کشورهای منطقه در دست اجرا دارد، چگونه اهداف راهبردی این کشور در منطقه را دنبال نموده و کشورهای مجاور و حتی برخی کشورهای غیرمجاور با ترکیه را وابسته به اقدامات این کشور می‌نمایند. این درحالی است که متأسفانه سیاست‌گذاران، مجامع علمی، پژوهش‌های راهبردی در داخل کشور و همچنین رسانه‌های اثرگذار در کشور، اقدامات و فعالیت‌های ترکیه در حوزه آب را تنها محدود به پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ) کرده‌اند. بر این اساس، در این مقاله تلاش می‌شود ابتدا ابعاد داخلی و بین‌المللی و ملاحظات جدی درباره مأموریت هیدرولیکی به مثابه چارچوب نظری این مقاله واکاوی شود. سپس وضعیت هیدرولیتیک ترکیه با بررسی اجمالی اقلیم و سیاست‌های آبی آن تحلیل می‌شوند. پس از آن، سه دسته از ابرپروژه‌های آبی ترکیه (۱- پروژه‌های داخلی، ۲- فرامرزی و ۳- انتقال آب از ترکیه به کشورهای مجاور) معرفی می‌گردند و ارتباط این طرح‌ها با رویکرد هیدرولیتیک این کشور در منطقه مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

۲- پیشینه تحقیق

این تحقیق بر اساس تلفیق دو دسته از مطالعات انجام شده است. دسته اول پژوهش‌هایی هستند که به نقش منابع آبی به مثابه ابزار کسب قدرت و اقتدار اشاره کرده‌اند. (Cullather (2002) معتقد است دولت‌های در حال توسعه و دولت‌های توسعه‌نیافته که در صدد ایجاد توسعه و حرکت به سوی مدرنیته هستند، ساخت سد و اصلاحات اراضی را برای رشد و ترقی، اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. همانطور که Molle (2009) استدلال کرده است «جایی که آب جاری است، قدرت نیز جاری است»^۱. استدلال وی آن است که هدف از ساخت سدها بیشتر دستیابی به منافع ژئوپولیتیک است تا دستیابی به منافع اقتصادی برای جامعه. (Kraak (2012) معتقد است کنترل رودخانه به واسطه سد، به مثابه حکمرانی بر گروهی از ذی‌نفعان در منابع آبی رودخانه است. به همین دلیل، دولت‌ها به واسطه مأموریت هیدرولیکی در صدد کسب سلطه بر ذی‌مدخلان آن رودخانه هستند. این درحالی است که چنین پروژه‌هایی برای جامعه الزاماً منافع اقتصادی یا منافع اجتماعی به همراه نخواهند داشت. (Nagheeb and Warner (2018) نیز منطق توسعه ساخت سد را تسلط دولت‌مردان بر ذی‌مدخلان معرفی

4. Mustafa Kemal Atatürk (اولین رئیس‌جمهور ترکیه)
5. Peace at Home, Peace Abroad

1. Flows of Water, Flows of Power
2. Absolute Territorial Sovereignty
3. 1000 Small Dams in 1000 Days

کنون یک توصیف جامع از پروژه‌های آبی ترکیه، نسبت آن با مأموریت هیدرولیکی این کشور و همچنین بررسی ابعاد ملی‌سازی و فرصت‌سازی از منابع آبی به مثابه رویکردی برای استفاده بیشتر از منابع آبی ارائه نشده است.

۳- چارچوب نظری

۳-۱- ابعاد استراتژی مأموریت هیدرولیکی

مأموریت هیدرولیکی با تصور و فرض آنکه مناطق خشک به واسطه سدهای بزرگ، پمپاژ آب زیرزمینی و انتقال آب از فاصله دور می‌توانند به مناطق صنعتی تبدیل بشوند وارد عرصه مدیریت منابع آب شده است و هدف آن بصورت کلی گلستان نمودن بیابان‌ها بوده است (Balali et al., 2011). تفکر مهار حوضه آبریز یا مأموریت هیدرولیکی برای اولین بار اوایل در دهه ۱۹۳۰ زمانی که کشور آمریکا دچار بحران شدید اقتصادی بود مطرح شد. در آن زمان، دولت فرانکلین روزولت^۱ برای توسعه مناطق اطراف دره تنسی در جنوب‌شرقی آمریکا پروژه ویژه‌ای طراحی کرد. بر اساس این طرح، سازمان عمرانی دره تنسی^۲ تأسیس و دیوید لیلینتال^۳ به عنوان رئیس این سازمان منصوب شد. لیلینتال تیمی از متخصصین را جهت بررسی مشکلات و بهبود وضعیت اقتصادی آن مناطق گرد هم آورد. سازمان عمرانی دره تنسی، برای بهبود وضعیت اقتصادی، مهار حوضه‌های آبریز به واسطه سازه‌های بزرگی مانند سد را پیشنهاد دادند. نگاهی که مأموریت هیدرولیکی را برجسته ساخته آن است که عده‌ای معتقدند پتانسیل‌های آبی در هر حوضه آبریز، باید تنها برای نیازهای انسانی^۴ مورد استفاده قرار گیرند. در حالی که مهار آب‌های حوضه‌های آبریز با هدف کسب صرفاً قدرت اقتصادی، سیاسی و یا کسب مشروعیت، با ماهیت ذاتی آب که در برخی نظریات جزء حقوق اولیه بشر نیز شمرده می‌شود، در تناقض است.

بر اساس دیدگاه مأموریت هیدرولیکی، هر قطره آبی که بدون استفاده بشر به دریا بریزد هدر رفته است. این پارادایم در طول دوره صنعتی

شدن، با افزایش کنترل بر منابع آب توسط دولت‌ها فراگیر شد. توسعه تکنولوژی نیز این امکان را برای کشورها مهیا کرد که با کنترل بیشتر بر منابع آب، بیشترین استفاده را برای تأمین نیازهای نامحدود بشری داشته باشند (Conker and Hussein, 2019). اما مأموریت هیدرولیکی جنبه دیگری نیز دارد که عبارت است از این‌که دولت‌ها با بکارگیری این استراتژی، به دنبال ایجاد مشروعیت بیشتر برای خود هستند. زیرا چنین اقداماتی (ایجاد زیرساخت‌های سازه‌ای آبی) نمادی برای هویت ملی دولت‌ها نیز هستند و با تاریخ گذشته و آینده دولت‌مردان در دوره‌های مختلف نیز مرتبط است. برای نمونه، سد مارتن^۵ در کشور یونان، شهر آتن را با ریشه‌های تاریخی^۶ آن سرزمین مرتبط ساخته است و همچنین نمادی از مدرنیته و غربی شدن شهر آتن نیز است (Kaika, 2006). از سوی دیگر، سازه‌های عظیم چون سد اصولاً مایه افتخار دولت‌مردان هستند و آن‌ها در صدد ثبت نام خود بر این سازه‌ها هستند؛ زیرا بدین واسطه، اقدامات‌شان به ظاهر در تاریخ ماندگار خواهد شد. برای نمونه سد آتاتورک^۷ در ترکیه و سد طلال^۸ در اردن نمونه‌هایی از چنین نامگذاری‌هایی هستند (Fasihi Harandi, 1395). وعده مأموریت هیدرولیکی یا قول ساخت سد در حلقه‌های سیاسی نیز جایگاه ویژه‌ای دارد تا جایی که برخی بر اساس شواهد مطرح کرده‌اند «ساخت یک سد را قول بدهید، یک انتخابات را برنده شوید» (Fasihi Harandi, 1395). لذا در تعریفی جامع‌تر، مأموریت هیدرولیکی اقدامی است که دولت‌ها به واسطه مهار حوضه آبریز در پی ایجاد پایه‌هایی برای ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند (Conker and Hussein, 2019). براین اساس، تحلیل رویکردهای مختلف حاصل از مأموریت هیدرولیکی در حوضه‌های آبریز از اهمیت بسزایی برخوردار است. برای نمونه، Molle et al. (2009) استدلال کردند پروژه‌های مأموریت هیدرولیکی علاوه بر تولید انرژی، حفاظت در برابر سیلاب و تأمین آب شرب شهرها می‌توانند کمکی جدی برای بهبود اقتدار دولت‌ها باشند و نمادی برای قدرت دولت‌ها نیز محسوب می‌شوند.

طرفداران این نظریه به شدت تحت تأثیر نظریه‌ی تکامل داروین هستند (Taghdisi and Hedayatimoghaddam, 2012). در دیدگاهی بینابین، انسان و طبیعت در کنار هم قرار می‌گیرند و هیچ یک بر دیگری حاکمیت و برتری ندارند.

5. Marathon Dam

۶. این سد بین سال‌های ۱۹۲۶ و ۱۹۲۹ ساخته شد و تنها منبع تأمین آب آتن تا سال ۱۹۵۹ بود.

7. Ataturk Dam

8. King Talal Dam

1. Franklin Delano Roosevelt

(سی‌ودومین رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا)

2. Tennessee Valley Authority (TVA)

3. David Eli Lilienthal

(او از مشاوران دولت ایران در طرح عمران خوزستان نیز بوده است)

۴. در علم جغرافیا دو دیدگاه همواره مورد توجه بوده است: ۱- حاکمیت انسان بر طبیعت، در این دیدگاه انسان ارباب طبیعت است و می‌تواند به کمک تکنولوژی، محدودیت‌های محیطی را بر طرف سازد و بر شرایط محیط مسلط گردد. ۲- حاکمیت طبیعت بر انسان، در دهه‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۳۰ عده‌ای از جغرافیادانان به تسلط قاطع محیط طبیعی بر فعالیت انسانی اعتقاد داشتند.

برای پیشبرد دیگر اهداف پنهان هستند (شکل ۱). در ادامه این ابعاد بطور مجزا تحلیل خواهند شد.

۳-۱-۱- ملی‌سازی منابع آبی مشترک

واژه‌ی Nationalism در متون روابط بین‌الملل، ملی‌گرایی ترجمه شده است. اما در این مقاله برای ایجاد درک بهتر، برای این واژه از معادل «ملی‌سازی» استفاده می‌شود. ملی‌سازی منابع آبی مشترک، به معنی استفاده از آب به عنوان یک منبع صرفاً ملی (و نه دارای ماهیت اشتراکی) است. بنابر چنین نگاهی، دولت‌مردان می‌پندارند «آب مانند سرزمین، یک منبع صرفاً ملی است و مانند سرزمین و منابع داخلی با آن برخورد می‌کنند». این رویکرد در نهایت باعث می‌شود مدیریت مشترک در حوضه‌های آبریز ایجاد نشود (Conker, 2018). براین اساس، در صورتی که ملاحظات زیست‌محیطی و اجتماعی این قبیل اقدامات بررسی و رعایت شوند، آنگاه مأموریت هیدرولیکی در سطح داخلی دستاوردهای اقتصادی قابل توجهی می‌تواند به همراه داشته باشند و در نهایت قدرت اقتصادی دولت توسعه‌دهنده را برای زمان نسبتاً طولانی افزایش دهند.

دولتهایی که از تکنیک ملی‌سازی منابع مشترک استفاده می‌کنند، مدعی‌اند که در صدد ایجاد امنیت غذایی، امنیت انرژی و در نهایت کسب امنیت ملی به واسطه ذخیره‌سازی بیشتر آب هستند.

اهمیت واکاوی ابعاد مأموریت هیدرولیکی در رودخانه‌های فرامرزی که بین دو یا چند کشور مشترک هستند، دو چندان است؛ زیرا ساخت سد، می‌تواند راهی برای دفاع از منافع ملی، افزایش نفوذ منطقه‌ای و تلاش برای دفاع از حاکمیت مطلق سرزمینی مبتنی بر دکترین هارمون باشد (Menga, 2016). بطور کلی، ساخت سازه‌های هیدرولیکی در سطح داخلی، می‌تواند به مشروعیت قدرت دولت‌ها کمک کنند؛ زیرا چنین اقداماتی منجر به جلب توجه مردم آن کشور می‌شود؛ اما در صورتی که سازه‌های عظیم مانند سد بر روی یک رودخانه فرامرزی ساخته شوند، این قبیل اقدامات در سطح بین‌المللی نیز تبعاتی خواهند داشت.

تبعات سیاست بکارگیری استراتژی مأموریت هیدرولیکی در حوضه‌های آبریز فرامرزی در دو بعد آشکار و پنهان قابل تحلیل هستند (Conker, 2018; Conker and Hussein, 2019; Menga, 2016). **بعد آشکار و داخلی** این‌گونه اقدامات، مهار حوضه آبریز با دو هدف دستیابی به منافع اقتصادی و کسب مشروعیت برای دولت است. در این راستا، سیاست‌گذاران با بکارگیری تاکتیک‌های «ملی‌سازی منابع آبی» در صدد بهبود توان اقتصادی و اقتدار دولت هستند. هدف **بعد پنهان و بین‌المللی** مأموریت هیدرولیکی نیز، دستیابی به منافع پنهان سیاسی است. برای نیل به این هدف، سیاست‌گذاران با استفاده از تاکتیک «فرصت‌سازی^۲ از منابع آب» در صدد ایجاد وابستگی سایر کشورها به خود (ایجاد وابستگی آبی)

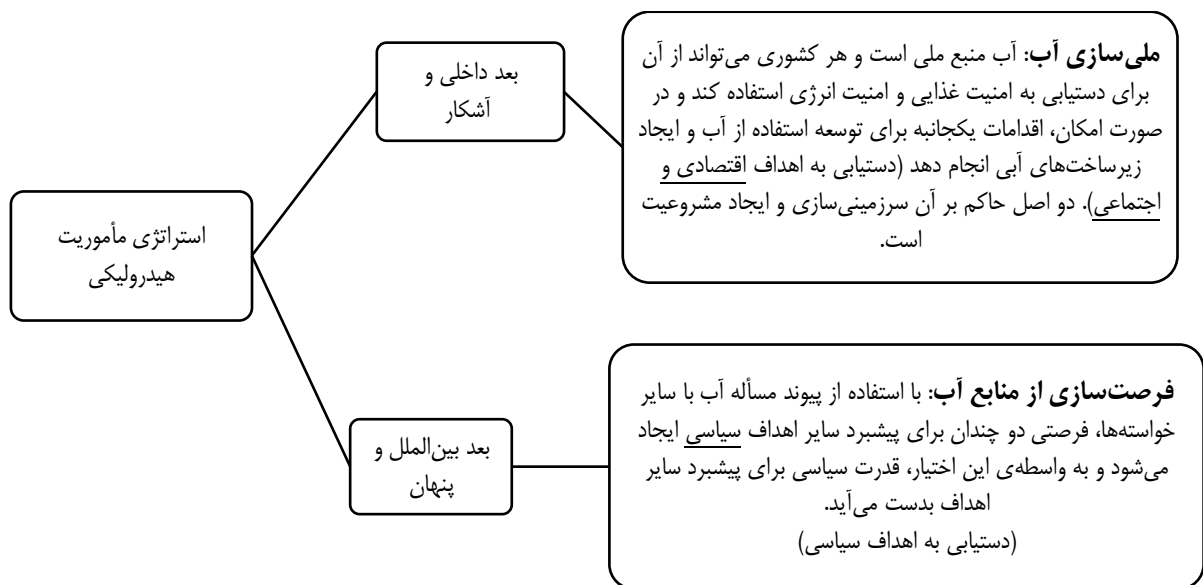


Fig. 1- The tactics of Hydraulic Mission Strategy
شکل ۱- انواع تاکتیک‌های حاصل از استراتژی مأموریت هیدرولیکی

نظریه ملی‌سازی منابع آب^۱ بر پایه‌ی دو اصل استوار است: ۱- ایجاد هویت مشترک به واسطه قلمروسازی^۲ منابع آب و ۲- ایجاد مشروعیت و اقتدار در میان مردم (Allouche, 2005). اصل اول در تئوری ملی‌سازی منابع آب، قلمروسازی است. قلمروسازی، فرآیندی است که هدف آن ایجاد دلبستگی و تشدید عواطف ملی نسبت به فضا، آب و مردم می‌باشد. تاریخچه ایجاد وابستگی مردم نسبت به زمین و منابع طبیعی را می‌توان مصادف با تغییر از سرحدات^۳ به مرزها^۴ دانست (Conker, 2018). نمود آن در منابع آب، بازتاب ذهنیت «آب برای من است»^۵ خواهد بود (Conker, 2018). چنین نگرشی در سخنرانی دولت‌مردان، مخصوصاً سران کشورهایی که آب در آن یک منبع استراتژیک می‌باشد بسیار قابل توجه بوده است. برای نمونه، انور سادات، سومین رئیس‌جمهور مصر، زمانی که طرح فروش آب رودخانه نیل به سرزمین‌های اشغالی مطرح شد، اظهار کرد: «نیل به غریبه‌ها فروخته خواهد شد» (Allouche, 2010). تورگوت اوزال، هشتمین رئیس‌جمهور ترکیه، در خصوص قرار داد موقت آبی ترکیه با سوریه اظهار کرد: «آب رودخانه فرات به ارزانی فروخته شد» (Daily, 1987). سلیمان دمیرل، نهمین رئیس‌جمهور ترکیه نیز در مراسم افتتاحیه سد آتاتورک از اصطلاح «آب کشور ترکیه» استفاده کرد (Conker, 2018). چنین اظهاراتی نشان می‌دهند که سران کشورهایی مانند مصر و ترکیه (به عنوان نماد دو کشور پایین‌دست و بالادست حوضه آبریز به دلیل هم‌مونی آبی که دارند) آب را صرفاً منبعی برای کشور خود می‌دانند و برخلاف ماهیت اشتراکی آن، حقی برای سایر کشورهای ساحلی قائل نیستند.

اصل دوم این نظریه، به توانایی دولت برای ایجاد مشروعیت و اقتدار در سرزمین اشاره دارد (Jagers, 1992). بنابراین اصل، دولت‌مردان از توسعه هیدرولیکی برای کسب قدرت اجتماعی استفاده می‌کنند تا بتوانند ظرفیت دولت را برای کسب اقتدار و مشروعیت بیشتر افزایش دهند (Conker, 2018). این اصل به مجموعه‌ای از سیاست‌ها که هدف آن ایجاد هویت مشترک و احساس وطن‌پرستی و وفاداری به دولت است، اشاره دارد (Menga, 2015). دولت‌مردان با استناد به این اصل، از نمادها و مظاهر برای ایجاد هویت ملی در پروژه‌های مأموریت هیدرولیکی استفاده می‌کنند. سدهای بزرگ، یکی از مظاهر استفاده از نمادها برای کسب اقتدار و مشروعیت بیشتر در دولت‌ها هستند

(Menga, 2015). به‌طور کلی، نمادگرایی از طریق استفاده از ابزارهای صوتی، تصویری و استعاره‌ای (مانند ضرب‌المثل) عملی رایج است. برای نمونه، ترکیه در گذشته با استفاده از نمادگرایی تصویری، بر روی اسکناس یک میلیون لیری خود از تصویر سد آتاتورک استفاده می‌کرد (Conker, 2018). درخصوص نمادگرایی استعاره‌ای می‌توان به توصیف هرودوت^۶، نخستین تاریخ‌نگار یونانی زبان از رودخانه نیل اشاره کرد. او مصر را هدیه‌ای از نیل وصف کرد (Kerisel, 2001) و مصریان نیز طبق این توصیف ضرب‌المثل معروفی دارند که می‌گویند: «مصر هدیه خدا به نیل و نیل هدیه خدا به مصر است». لذا تحریف گفتمان^۷ می‌تواند این ذهنیت را برای سایر ذی‌مدخلان در حوضه آبریز ایجاد سازد که آب یک منبع ملی در حوضه است.^۸

در سطح بین‌المللی چنین اقداماتی به کرات قابل مشاهده است که یک نمونه آن در سطح حوضه‌های آبریز فرامرزی، اقدام تاجیکستان برای ساخت سد راغون^۹ است. این پروژه در سال ۱۹۶۰ توسط شوروی برنامه‌ریزی شده بود؛ اما در سال ۲۰۰۰ مورد انتقاد کشور ازبکستان که در پایین‌دست رودخانه آمودریا است، قرار گرفت؛ زیرا کشور ازبکستان این سد را تهدیدی برای محیط‌زیست و همچنین میزان جریان دریافتی سالانه خود می‌دید. مراسم افتتاح نخستین توربین نیروگاه برقایی راغون به صورت مستقیم از تلویزیون و رادیوهای دولتی تاجیکستان پخش شد (نمایانگر اهمیت افتتاح این سطح برای ملی‌سازی و تقویت روحیه ملی)، نمایندگان رسمی برخی از کشورهای خارجی از جمله معاون رئیس‌اجرای حکومت افغانستان، وزیر انرژی ازبکستان، معاون وزیر انرژی روسیه، معاون رئیس بانک جهانی و سفیران کشورهای خارجی مقیم دوشنبه در این مراسم حضور داشتند (Kouzehgar-Kaleji, 2019). سد راغون می‌تواند کمبود انرژی الکتریکی کشور تاجیکستان را جبران کند. دولت تاجیکستان سد راغون را نشانی از غرور ملی می‌داند و مدعی است ساخت این سد منجر به پیشبرد توسعه منافع ملی خواهد شد و دستاوردهای بیشتری برای بقای کشور تاجیکستان به همراه خواهد داشت (Menga, 2016). دولت تاجیکستان بیلوردی در این زمینه در سطح شهر به نمایش گذاشت (نمادگرایی تصویری) و در آن تصویر امامعلی رحمان، رئیس‌جمهور این کشور را در مقابل سد در حال ساخت قرار داد که بر روی آن نوشته شده بود «مسأله‌ی ساخت سد، مسأله مرگ و زندگی تاجیکستان

(تحریف (غلبه) گفتمانی، تعریف یا ادعایی است که طرف قوی‌تر از واقعیت ارائه می‌دهد)

۸. برای مطالعه‌ی بیشتر به مقاله نقش قدرت در دیپلماسی آب مراجعه شود به (Ghoreishy et al. (2019).

9. Rogun Dam

1. Theory of Water Nationalism
2. Territoriality
3. Frontiers
4. Boundaries
5. My Water
6. Herodotus
7. Sanction the Discourse

است» (Menga, 2016). همچنین امامعلی رحمان بیان کرد که این سد هویت ملی تاجیکستان است و می‌تواند تاجیکستان را به یک ستاره همیشه درخشان در شرق باستان تبدیل کند (Menga, 2016). دولت تاجیکستان در سال ۲۰۱۰ برای ترغیب حس وطن‌پرستی شهروندان تاجیک نسبت به سد راغون، آنها را به سرمایه‌گذاری در قالب خرید اوراق قرضه، برای ساخت سد تشویق کرد (رویکرد سرزمینی‌سازی و ترغیب حس وطن‌پرستی) (Church, 2018). امام علی رحمان همچنین در نطق سالیانه‌اش به این جمله تأکید می‌کند که «ساخت سد راغون وظیفه‌ای مدنی بر وجدان هر فرد وفادار و فداکار است» (Kouzehgar-Kaleji, 2019). جمیع این اقدامات نمایانگر ملی‌سازی آب در تاجیکستان می‌باشد.

۳-۱-۲- فرصت‌سازی منابع آبی مشترک

از دیگر تاکتیک‌هایی که دولت‌ها می‌توانند در توسعه زیرساخت‌های آبی و استراتژی مأموریت هیدرولیکی بکار ببرند، «فرصت‌سازی» است. فرصت‌سازی، بُعد پنهان توسعه زیرساخت‌های آبی و مأموریت هیدرولیکی در سطح فرامرزی است. فرصت‌سازی می‌تواند به استفاده از منابع آبی برای ایجاد وابستگی کشورهای دیگر به منابع آبی کشور پر آب کمک کند و بدین ترتیب پیشبرد سایر اهداف سیاسی را ممکن سازد. بنابراین در این بُعد از مسئله، کشورها از آب به عنوان ابزاری سیاسی برای کسب قدرت و ایجاد وابستگی آبی استفاده می‌کنند.

تاکتیک فرصت‌سازی به دنبال ایجاد فرصتی است تا بتواند شرایط را برای تخطی از شرایط عادی و عرفی مهیا سازد (Zeitoun, 2007). به عبارت دیگر، در تاکتیک فرصت‌سازی مکانیزم فرصت-تخطی^۱ استفاده می‌شود تا بدین ترتیب فرصتی برای تخطی و تجاوز از عرف و قوانین حقوق بین‌الملل به بهانه‌ی دفاع از منافع خود ایجاد شود. فرصت‌سازی روی دیگر امنیتی‌سازی^۲ است. در امنیتی‌سازی دولت‌ها با استفاده از مکانیزم تهدید-دفاع^۳ به دنبال آن هستند تا با جلوه دادن مسائل به صورت تهدید وجودی، از خود دفاع کنند (Zeitoun, 2007) در صورتی که در فرصت‌سازی با استفاده از مکانیزم فرصت-تخطی، دولت‌ها می‌توانند شرایط را برای پیشبرد سایر منافع خود فراهم سازند و بین مسائل مختلف پیوند موضوعی^۴ ایجاد کنند. بدین ترتیب می‌توانند قدرت چانه‌زنی^۵ خود را افزایش دهند. نمونه‌ی عینی امنیتی‌سازی اقدامات آبی در دیپلماسی آب، تلاش و عکس‌العمل عراق

در خصوص مسأله‌ی سدسازی‌های کشورهای ساحلی بالادست در حوضه دجله و فرات است. حسن‌الجنابی، وزیر آب عراق، تاریخ ۲۰ تیر ۱۳۹۷ در جلسه‌ای در شورای امنیت در خصوص تهدیدات زیست‌محیطی و اقلیمی، به مسئله سدسازی‌های گسترده کشورهای حوضه آبریز مشترک با این کشور اشاره و تأکید می‌کند که «این اقدامات اثرات نامطلوب محیط‌زیستی و اقتصادی و در نهایت امنیتی برای عراق در پی داشته و تمدن بین‌النهرین را در این منطقه مورد تهدید قرار داده است». براین اساس، او مسأله سدسازی کشورهای همسایه را به تخریب محیط‌زیستی و نهایتاً امنیت ملی کشورش مرتبط دانسته و تلاش می‌کند که توجه جهانی را به سوی این مسأله جلب کند (Ghoreishy et al., 2019).

لذا می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که کشورها به واسطه ملی‌سازی منابع آب، فرصتی برای پیشبرد سایر اهداف پنهان و سیاسی بدست می‌آورند (فرصت‌سازی) تا به این واسطه بتوانند تأثیرگذاری خود را در سطح بین‌الملل افزایش دهند. براین اساس، زمانی که دولت‌ها در حوضه‌های آبریز مشترک، هدف خود را از توسعه و ایجاد زیرساخت‌های آبی در سطح داخلی، «کسب امنیت ملی» عنوان می‌کنند این مسأله تأثیر بسیار فراتری بر روابط سایر کشورهای حوضه آبریز ایجاد خواهد کرد. لذا هدف از توسعه یک‌جانبه زیرساخت‌های منابع آبی در حوضه‌های آبریز مشترک فرامرزی، نه تنها حفظ ثبات در سطح داخلی است؛ بلکه اینگونه اقدامات، ابزاری استراتژیک برای تحت تأثیر قرار دادن سایر دولت‌های حوضه آبریز مشترک برای پیشبرد اهداف ثانویه نیز هستند. لذا منطبق ملی‌سازی، تلاشی در جهت توجیه برای کسب «امنیت ملی و اقدامات داخلی طرح‌های توسعه هیدرولیکی» و منطبق فرصت‌سازی، طرح‌ریزی اقداماتی در توجیه کسب «قدرت سیاسی و انجام اقداماتی در مواجهه با ابعاد بین‌المللی» توسعه زیرساخت‌های منابع آبی است. نمونه عینی بکارگیری و استفاده‌ی همزمان دو تکنیک فرصت‌سازی (بُعد پنهان) و ملی‌سازی (در بُعد آشکار) استراتژی مأموریت هیدرولیکی در سطح فرامرزی، سیاست آبی کشور اتیوپی در بالادست رودخانه نیل است. این کشور ساخت سد برقابی رنسانس^۷ بر روی نیل آبی را از سال ۲۰۱۱ آغاز کرده است. سد رنسانس بزرگترین سد در قاره‌ی آفریقا است که می‌تواند میزان قابل توجهی از نیاز انرژی کشور اتیوپی را تأمین کند (Hammond, 2013). بطور کلی هدف احداث این سد فراتر از تولید انرژی، کنترل سیلاب و

۶. برای مطالعه‌ی بیشتر به مقاله نقش قدرت در دیپلماسی آب مراجعه شود به (Ghoreishy et al., 2019).

7. Renaissance

1. Opportunity-Offense Mechanism
2. Securitization
3. Threat-Defense Mechanism
4. Issue Linkage
5. Bargaining Power

تأمین آب کشاورزی عنوان شده است (Menga, 2016). دولت‌مردان اتیوپی این سد را نمادی سمبلیک برای اقتدار خود و مظهر ملی کشور اتیوپی می‌دانند (ملی‌سازی) و آن را عنصری ضروری برای بازتعریف هویت ملی اتیوپی نامیده‌اند (Orłowska, 2013). ساخت این سد از ابتدا با مخالفت شدید کشور مصر در پایین‌دست رودخانه نیل مواجه بود؛ زیرا مصریان نگران کاهش جریان آب رودخانه نیل بوده‌اند و این پروژه را تهدیدی برای حق‌آبه تاریخی این کشور از رودخانه نیل می‌دانستند. دولت‌مردان اتیوپی معتقدند که می‌توانند به واسطه منافع حاصل از سد رنسانس با چالش جامعه‌ای چندقومی و فدرالیسم قومیتی غلبه کنند (فرصت‌سازی). آن‌ها معتقدند پروژه سد رنسانس یک موفقیت و افتخار ملی را به تصویر می‌کشد و آینده‌ای روشن نسبت به گذشته تیره این کشور را به ارمغان می‌آورد.

از سویی دیگر، سیاست‌گذاران این کشور از سد رنسانس به عنوان ابزاری برای سیاست خارجی این کشور استفاده می‌کنند (فرصت‌سازی) (Menga, 2016). آنها مکرر تأکید کرده‌اند به‌رغم وجود مخالفت‌های زیاد از جانب مصر و سودان برای ساخت سد، نه تنها ساخت آن متوقف نشده است، بلکه درنهایت توافق‌نامه‌ای منعقد شده و اهداف اتیوپی برای ساخت سد نیز محقق گردیده است (Menga, 2016). در جریان درگیری‌های اخیر سه کشور مصر، سودان و اتیوپی بر سر نحوه آبیگری سد رنسانس، نخست وزیر اتیوپی در سخنرانی خود در فروردین ۱۳۹۹ ضمن مخالفت با پیشنهاد مصر برای توقف آبیگری سد، به این سد به‌عنوان "سمبل حاکمیت و وحدت ما" تأکید جدی می‌کند و از استراتژی ملی‌سازی برای آغاز عملیات آبیگری این سد استفاده می‌کند.

از این روی، در استراتژی مأموریت هیدرولیکی می‌توان با استفاده از تاکتیک‌های ملی‌سازی و فرصت‌سازی، قدرت سیاسی، اقتصادی و توان چانه‌زنی دولت‌ها را افزایش داد که در کنار آن، مشروعیت دولت در داخل قلمروی حاکمیتی نیز افزایش می‌یابد. علی‌رغم آنکه مأموریت هیدرولیکی تفکر غالب مدیریت منابع آب در دهه‌ی ۱۹۳۰ میلادی است و پس از آن نگرش‌ها و پارادایم‌های دیگری برای مدیریت منابع آب مطرح شده‌اند (Balali et al., 2011)، اما (Allan 2002) استدلال کرده است که کشورهای غرب آسیا (خاورمیانه) و شمال آفریقا به ویژه کشورهای مصر، ترکیه و ایران هنوز برای مدیریت منابع آب از استراتژی مأموریت هیدرولیکی استفاده می‌کنند. این در حالی

است که کشورهای نیمه خشک شمالی، برای مدیریت منابع آبی وارد پارادایم مدرنیته‌ی بازتابی^۱ شده‌اند (Allan, 2006). استراتژی مأموریت هیدرولیکی و تاکتیک‌های ملی‌سازی و فرصت‌سازی برآمده از آن در سیاست آبی کشور ترکیه مشهود است. این اقدامات در قالب سه دسته از اقدامات (پروژه‌های داخلی، فرامرزی و انتقال آب از ترکیه به کشورهای مجاور ترکیه) قابل تحلیل است. برای واکاوی ابعاد مختلف این طرح‌ها و تحلیل اثرات آن بر سایر کشورها نیاز است ابتدا وضعیت ملی هیدروپلیتیکی ترکیه معرفی شود.

۴- روش تحقیق

با توجه به اهداف در نظر گرفته شده، این نوشتار از حیث هدف کاربردی و از نظر استراتژی پژوهشی نوعی مطالعه موردی به شمار می‌آید، به این معنا که در ضمن ارائه توصیف جامع از وضعیت پروژه‌های بزرگ آبی ترکیه در صدد است تا تدبیر و روندهای جاری این کشور را با نظریه مأموریت هیدرولیکی مورد واکاوی قرار دهد. به عبارتی، هدف اصلی مقاله، تحلیل ابعاد مأموریت هیدرولیکی و پیامدهای آن و بررسی میزان انطباق نظریه مأموریت هیدرولیکی در نظام‌های سیاسی با سیاست‌ها، اقدامات و پروژه‌های ملی و فرامرزی دولت ترکیه است تا از خلال آن جزییات این نظریه را در عمل مورد بررسی قرار دهد. از حیث روش جمع‌آوری اطلاعات، داده‌های این مقاله بصورت کمی و کیفی و با استفاده از منابع مختلف اطلاعاتی اعم از اسناد رسمی دولت ترکیه، گزارشات، مقالات، نقشه‌های منتشر شده توسط رسانه‌های معتبر، سازمان‌های بین‌المللی و اظهار نظر مقامات رسمی ترکیه تهیه و گردآوری شده است. ضمناً اعتبار و روایی یافته‌ها نیز از طریق مشورت با متخصصان مسائل حکمرانی و سیاست‌گذاری آب در منطقه غرب آسیا مورد بررسی قرار گرفته و تأیید شده است.

۵- هیدروپلیتیک ترکیه

ترکیه در یکی از مناطق حساس جهان از منظر ژئوپلیتیک واقع شده است و دارای موقعیت جغرافیایی راهبردی است. موقعیت جغرافیایی ترکیه این کشور را به کریدور انرژی تبدیل کرده است و کشورهای بسیاری از خاک این کشور برای ترانزیت کالا و انرژی استفاده می‌کنند. کشور ترکیه در دو قاره آسیا و اروپا واقع شده است و تنگه بسفر^۲ مرز طبیعی بین دو قاره، در این کشور می‌باشد. کل مساحت کشور ترکیه

مدیریت آب و اراضی در ایران مقاله Balali et al. (2011) مطالعه شود.

۲. باریکه آبی در کشور ترکیه است که دریای سیاه را به دریای مرمره می‌پیوندد. این تنگه دو قاره اروپا و آسیا را از یکدیگر جدا می‌کند. شهر استانبول در دو طرف این تنگه قرار دارد.

1. Reflexive Modernity

برای آشنایی بیشتر با پارادایم مدرنیته بازتابی و اثرات آن بر سیاست‌های آب و محیط‌زیست در دنیا مقالات (Allan 2002, 2006) و تأثیر این پارادایم بر

۷۸۰۰۰۰ کیلومتر مربع است که بخش آسیایی آن (آناتولی) ۹۷٪ این کشور را شامل می‌شود و ۳٪ دیگر آن (ترکیه) را بخش اروپایی ترکیه در برمی‌گیرد. این کشور شش همسایه آسیایی و دو همسایه اروپایی دارد که به ترتیب عبارت‌اند از: ایران، جمهوری آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، عراق، سوریه، یونان و بلغارستان. برای تحلیل مناسبات هیدروپلیتیکی کشور ترکیه ضروری است ابتدا دیدی کلی از شرایط اقلیمی و منابع آبی حوضه‌های آبریز این کشور ترسیم شود و سپس سیاست‌های متأثر بر تصمیم‌سازی‌های مرتبط با منابع آبی حوضه‌های آبریز در این کشور واکاوی گردند.

۵-۱-۱- شرایط اقلیمی و هیدرولوژیکی ترکیه

متوسط ارتفاع از سطح دریا در ترکیه بین ۱۱۰۰ و ۱۲۰۰ متر است. ترکیه دارای آب‌وهوای نیمه‌گرمسیری و نیمه‌خشک است و میانگین ارتفاع بارش سالانه در ترکیه ۶۴۳ میلی‌متر می‌باشد. بطور متوسط مجموع بارش سالانه ترکیه ۵۰۱ میلیارد مترمکعب و تبخیر آن ۲۷۴ میلیارد مترمکعب است. به دلیل تنوع در توپوگرافی، این کشور در نقاط مختلف اقلیم متنوع دارد (Tigrek and Kibaroglu, 2011). برای نمونه، متوسط بارش در جنوب شرقی ترکیه ۲۵۰ میلی‌متر و در مناطق ساحلی دریای سیاه ۳۰۰۰ میلی‌متر است. در مجموع، متوسط سالانه رواناب در این کشور تقریباً ۱۸۶ میلیارد مترمکعب است که ترکیه مدعی است که تنها از ۴۶ میلیارد مترمکعب آن استفاده می‌کند (Tigrek and Kibaroglu, 2011). این کشور دارای ۲۵ حوضه آبریز بزرگ است که مشخصات کلی و وضعیت این حوضه‌ها در جدول ۱ و شکل ۲ ارائه شده‌اند. شماره حوضه‌های ارائه شده در جدول ۱، بیانگر آن حوضه در شکل ۲ هستند.

۵-۱-۲- حوضه‌های آبریز فرامرزی ترکیه

ترکیه در سیاست آبی خود بین رودخانه‌های بین‌المللی ۳ و رودخانه‌های فرامرزی ۴ تمایز قائل شده است. آنها معتقدند رودخانه‌های بین‌المللی رودخانه‌هایی هستند که مرز دو یا چند کشور را تشکیل می‌دهند مانند رودخانه ماریتسا^۵ در حوضه آبریز ماریتسا که مرز بین یونان و ترکیه است و رودخانه آریاچای در حوضه آبریز ارس که مرز بین ترکیه و ارمنستان را تشکیل می‌دهد. آب حاصل از این گونه از رودخانه‌ها باید

بصورت مساوی بین کشورهای ذی‌مدخل تخصیص^۶ یابد در حالی که آب رودخانه‌های فرامرزی، رودخانه‌هایی که از مرزهای دو یا چند کشور می‌گذرند، باید بصورت منصفانه (و نه برابر) تسهیم^۷ شود (Turan, 2011). در جدول ۲ حوضه‌های آبریز فرامرزی ترکیه معرفی شده‌اند.

– حوضه آبریز ماریتسا (ماریچ)

رودخانه ماریتسا (ماریچ) یکی از سیستم‌های اصلی رودخانه‌ای در منطقه شرق بالکان است که بین سه کشور بلغارستان، یونان و ترکیه مشترک است. این رودخانه از کشور بلغارستان سرچشمه می‌گیرد و در ادامه به سمت ترکیه در جریان است. رودخانه ماریتسا مرز ترکیه و یونان را تشکیل می‌دهد و سرانجام به دریای اژه می‌ریزد. این رودخانه در زبان ترکی رودخانه ماریچ و در زبان بلغاری رودخانه ماریتسا و در زبان یونانی اورُس^۸ نامیده می‌شود. مساحت حوضه آبریز ماریتسا حدود ۵۳۰۰۰ کیلومتر مربع است که ۶۶٪ آن در کشور بلغارستان، ۷٪ در یونان و ۲۷٪ آن در ترکیه واقع شده است و طول این رودخانه در بلغارستان حدود ۳۱۰ کیلومتر است و بیش از ۲۱۰ کیلومتر از این رودخانه در یونان جریان دارد و طول این رودخانه در ترکیه با احتساب بزرگترین سرشاخه آن حدود ۲۸۳ کیلومتر است (Skoulikaris and Zafirakou, 2019). نیاز آبی برای مصارف کشاورزی و کنترل سیل از جمله چالش‌های تنش‌آمیز در این حوضه بین ذی‌مدخلان بخصوص ترکیه و بلغارستان است (Kramer and Schellig, 2011). در قسمت ترکیه‌ای این حوضه، بخش کشاورزی بیش از ۸۲ درصد از کل برداشت آب را که بالغ بر ۱,۳۵ میلیارد مترمکعب در سال است به خود اختصاص داده است در حالی که صنعت حدود ۱۳ درصد و شرب حدود ۴ درصد از برداشت از آب از این حوضه در ترکیه را به خود اختصاص داده‌اند (Kramer and Schellig, 2011).

– حوضه آبریز عاصی^۹

رودخانه عاصی یک رودخانه دائمی فرامرزی در غرب آسیا است که از لبنان سرچشمه گرفته و پس از عبور از سوریه و ترکیه در نهایت به دریای مدیترانه می‌ریزد.

3. International Rivers
4. Transboundary Rivers
5. Maritsa
6. Allocation
7. Apportionment
8. Evros
9. Orontes River Basin

۱. بخش آسیایی ترکیه را شبه جزیره آناتولی یا فلات آناتولی هم می‌نامند. منطقه کنونی آناتولی از شمال به دریای سیاه از جنوب به دریای مدیترانه و از غرب به دریای اژه محدود می‌شود؛ این منطقه از طریق تنگه بسفر و داردانل از سرزمین اصلی اروپا جدا می‌شود.
۲. جنوب بلغارستان، شمال شرق یونان و قسمتی از ترکیه

Table 1- Turkey's River Basins (Darama and Seyrek, 2016)
جدول ۱ - حوضه‌های آبریز ترکیه (Darama and Seyrek, 2016)

نام حوضه آبریز	شماره‌ی حوضه	مساحت حوضه آبریز (Km ²)	میانگین جریان سالانه (میلیارد متر مکعب)
ماریتسا	۱	۶۹۰۷	۱/۱۹
مرمره	۲	۲۴۱۰۰	۸/۳۳
سوسورلوک	۳	۲۲۳۹۹	۵/۴۳
شمال شرقی دریای مدیترانه	۴	۱۰۰۰۳	۲/۹۰
گیدیز	۵	۱۸۰۰۰	۱/۹۵
میندریس کوچک	۶	۶۹۰۷	۱/۱۹
میندریس بزرگ	۷	۲۴۹۷۶	۳/۰۳
غربی دریای مدیترانه	۸	۲۰۹۵۳	۸/۹۳
آتالیا	۹	۱۹۵۷۷	۱۱/۰۶
بوردرور	۱۰	۶۳۷۴	۰/۵۰
آکارچای	۱۱	۷۶۰۵	۰/۴۹
ساکاریا	۱۲	۵۸۱۶۰	۶/۴۰
غرب دریای سیاه	۱۳	۲۹۵۹۸	۹/۹۳
یشیل‌ایرماک	۱۴	۳۶۱۱۴	۵/۸۰
کیزیل‌ایرماک	۱۵	۷۸۱۸۰	۶/۴۸
کنیا	۱۶	۵۳۸۵۰	۴/۵۲
شرق دریای مدیترانه	۱۷	۲۲۰۴۸	۱۱/۰۷
سیحان	۱۸	۲۰۴۵۰	۸/۰۱
رود عاصی	۱۹	۷۷۹۶	۱/۱۷
جیحان	۲۰	۲۱۹۸۲	۷/۱۸
دجله و فرات	۲۱	۱۸۴۹۱۸	۵۳/۹۴
شرق دریای سیاه	۲۲	۲۴۰۷۷	۱۴/۹۰
چروچ	۲۳	۱۹۸۷۲	۶/۳۰
ارس-کورا	۲۴	۲۷۵۴۸	۴/۶۳
دریاچه‌ی وان	۲۵	۱۹۴۰۵	۲/۳۹



Fig. 2- Turkey's River Basins (Darama and Seyrek, 2016)
شکل ۲ - حوضه‌های آبریز ترکیه (Darama and Seyrek, 2016)

Table 2- Water potential generated in Turkey's transboundary river basins* (Tigrek and Kibaroglu, 2011)
جدول ۲- پتانسیل آب تولید شده در حوضه‌های آبریز فرامرزی ترکیه (Tigrek and Kibaroglu, 2011)

Transboundary river basin	Catchment area in Turkey (Km ²)	Mean annual flow generated in (BCM) Turkey
Euphrates	127,304	31.61
Tigris	57,614	21.33
Coruh	19,872	6.30
Kura-Aras	27,548	4.63
Meric/Martisa	14,560	1.33*
Asi/Orontes	7,796	1.17

* یکی از چالش‌های مهم در ارائه آمار در بحث رودخانه‌های فرامرزی، تکرر و اختلاف آمار و اطلاعات ارائه شده در منابع مطالعاتی مختلف است. برای مثال، میزان مشارکت در تأمین جریان سالیانه رودخانه ماریتسا در ترکیه در (Kramer and Schellig, 2011) معادل ۱/۸ میلیارد مترمکعب در سال ارائه شده است. این مسأله شامل سایر اطلاعات حوضه‌های فرامرزی از جمله مساحت حوضه‌های آبریز فرامرزی، طول رودخانه در هر کشور ساحلی، سهم مشارکت هر کشور در تولید جریان و سایر اطلاعات و داده‌های هیدرولوژیکی است که یک چالش مهم در بسیاری از مطالعات در حوزه آب‌های فرامرزی است.

کشورهای ساحلی این حوضه را هفت کشور و کویت را نیز یکی از کشورهای ساحلی حوضه فرات معرفی می‌کنند (Al-Ansari, 2016; Shamout and Lahn, 2015). دجله و فرات در منطقه‌ای بین دو اقلیم مرطوب و بیابانی قرار دارند و میزان جریان آب در این دو رودخانه در فصول مختلف دارای نوسانات بسیاری است. مساحت حوضه آبریز فرات حدود ۴۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع برآورد شده است که ۴۷٪ آن در عراق، ۲۲٪ در سوریه، ۲۸٪ در ترکیه و ۲/۹۷٪ در عربستان و ۰/۰۳٪ در اردن قرار دارد (ESCWA and BGR, 2013). مساحت حوضه دجله نیز حدود ۲۲۱۰۰۰ کیلومتر مربع برآورد شده است که ۵۶/۱٪ آن در عراق، ۰/۴٪ در سوریه، ۲۴/۵٪ در ترکیه و ۱۹ درصد در ایران واقع شده است (ESCWA and BGR, 2013).

آورد متوسط طبیعی سالانه رودخانه فرات در مرز ترکیه-سوریه ۳۰ میلیارد مترمکعب است که در ۷۵ سال گذشته بدلیل اقدامات مختلف در اجرای طرح‌های آبی بویژه طرح‌های سدسازی، روند کاهشی پیدا کرده و برای دوره آماری سال‌های ۲۰۱۰-۱۹۷۴ به میزان متوسط سالیانه ۲۵ میلیارد مترمکعب رسیده است (ESCWA and BGR, 2013). این میزان برای رودخانه دجله حدود ۵۰ میلیارد مترمکعب است که در شرایط طبیعی حدود ۲۱ میلیارد مترمکعب آن از ترکیه وارد عراق می‌شود (Kaya, 1998). البته میزان آورد متوسط سالیانه حوضه دجله و فرات در منابع مختلف متفاوت ذکر گردیده است. برای مثال، برخی منابع این میزان را برای رودخانه فرات ۳۷ میلیارد مترمکعب در سال و برای رودخانه دجله ۵۷ میلیارد مترمکعب در سال ذکر می‌کنند (Kankal et al., 2016).

رودخانه عاصی با آورد متوسط سالیانه ۱،۲ میلیارد مترمکعب، طولی بیش از ۴۰۰ کیلومتر دارد و مساحت حوضه آبریز آن بیش از ۲۶۵۳۰ کیلومتر مربع برآورد شده است که از این میزان ۸٪ در کشور لبنان، ۶۷٪ در سوریه و ۲۵٪ در ترکیه قرار گرفته است (ESCWA and BGR, 2013). ترکیه بیش از ۱۲ طرح توسعه‌ای در قسمت ترکیه‌ای این حوضه دارد که چهار طرح آن در حال بهره‌برداری، دو طرح در حال احداث و شش طرح در فاز مطالعات و شناخت قرار دارند (Scheumann et al., 2011).

حوضه‌های آبریز عاصی و دجله و فرات از جمله حوضه‌های پرتنش ترکیه با کشور سوریه هستند. نکته قابل توجه در این خصوص آن است که ترکیه در حوضه دجله و فرات بالادست سوریه و در حوضه عاصی در پایین دست سوریه قرار دارد. از نکات قابل توجه در خصوص هیدروپلیتیک این رودخانه آن است که هیدروپلیتیک این رودخانه به شدت تحت تأثیر وضعیت روابط ترکیه-سوریه قرار داشته و به طور خاص از مذاکرات بر روی تخصیص آب فرات نیز تأثیرپذیر است و علیرغم موافقت‌نامه‌های دوجانبه بین لبنان-سوریه و سوریه-ترکیه بر سر بهره‌برداری از این رودخانه، تاکنون هیچ موافقت‌نامه سه جانبه‌ای بین کشورهای ساحلی این حوضه امضاء نشده است (ESCWA and BGR, 2013).

- حوضه آبریز دجله و فرات

حوضه آبریز رودخانه‌های دجله و فرات بین شش کشور ترکیه، سوریه، عراق، ایران، عربستان سعودی و اردن مشترک هستند (ESCWA and BGR, 2013). برخی منابع علمی دیگر، تعداد

۱. طول رودخانه عاصی در مطالعه (Scheumann et al. 2011) ۴۴۸ کیلومتر (2003) برابر ۴۸۵ کیلومتر عنوان شده است. کیلومتر، در (UN-ESCWA 2013) ۴۰۴ کیلومتر و در (Bazza and Najib

– حوضه آبریز ارس – کورا

حوضه آبریز ارس-کورا در مناطق جغرافیایی قفقاز بزرگ، قفقاز کوچک، آناتولی شرقی، البرز ایران واقع شده و بخشی از کشورهای گرجستان، آذربایجان، ترکیه، ایران و کل کشور ارمنستان را در بر گرفته است. از کل مساحت حوضه که حدود ۱۸۸۰۰۰ کیلومتر مربع است، تقریباً دوسوم آن در سه کشور گرجستان، آذربایجان و ارمنستان است و بقیه حوضه در ترکیه و ایران است که شامل دو رودخانه اصلی ارس و کورا است که به ترتیب ۴۵ و ۵۵ درصد از آب حوضه را تأمین می‌کنند (Campana et al., 2012). رودخانه کورا از ترکیه سرچشمه می‌گیرد و از مرز گرجستان و آذربایجان عبور کرده و به دریای خزر می‌ریزد. رودخانه ارس هم از ترکیه شروع می‌شود و از مرز ارمنستان و جمهوری آذربایجان با ایران عبور کرده و در آذربایجان به رودخانه کورا می‌پیوندد. تلفیق دو رود ارس و کورا با طی ۲۱۰ کیلومتر به دریای خزر تخلیه می‌شود. کاهش کمی و دبی جریان، مشکلات کیفیت آب، و زوال اکوسیستم در حوضه و افزایش سیل و فرسایش بستر از جمله مسائل و مشکلات این حوضه است که به طور عمده کشورهای پایین دست با مشکلات آن دست و پنجه نرم می‌کنند. تنش ناگورنو-قره‌باغ به عنوان یک تنش قومیتی-مرزی بین دو کشور جمهوری ارمنستان و آذربایجان و اعلام خودمختاری این منطقه از جمله چالش‌های سیاسی این حوضه آبریز است که بر نحوه بهره‌برداری از منابع آبی این منطقه نیز سایه افکنده است (Klaphake and Kramer, 2011).

۵-۲- واکاوی سیاست‌های آبی ترکیه

یکی از مهم‌ترین مشکلات کشور ترکیه در مسیر توسعه اقتصادی، وابستگی این کشور به منابع خارجی انرژی فسیلی است. بر این اساس، ترکیه ۶۵٪ از انرژی مورد نیاز خود را از واردات تأمین می‌کند. هم‌اکنون گاز مورد نیاز ترکیه از طریق چهار خط لوله تأمین می‌شود^۳ و پیش‌بینی شده است که ترکیه ۱۲ خط انتقال دیگر را نیز به اجرا در آورد (Mousavi Shafaie and Emerald, 1396). ضعف در تأمین انرژی در کنار سیاست به حداقل رساندن وابستگی به واردات نفت، کشور ترکیه را به سمت توسعه پتانسیل برقی کشور سوق داده است. بر طبق ادعای اداره‌ی کل امور هیدرولیکی دولتی (DSI)^۴ ترکیه «از آنجایی که کشور از بحران نفتی دهه ۱۹۷۰ به شدت تحت تأثیر قرار گرفت، دولت برنامه توسعه منابع بومی، به‌ویژه طرح‌های برقی را برای

برخی مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که میزان نیاز (شرب، کشاورزی، صنعتی و زیست‌محیطی) کشورهای ساحلی رودخانه فرات، ۱۶۵ درصد بیشتر از آورد کل این رودخانه است (Kliot, 1994). این میزان برای رودخانه دجله، ۱۱۲ درصد بیشتر از آورد کل رودخانه دجله برآورد شده است (Ibrahim and Sonmez, 2002). همین مسائل، سبب ایجاد یک رقابت سیاسی شدید بین کشورهای ساحلی حوضه برای تسلط و بهره‌برداری هر چه بیشتر از منابع آب این حوضه شده است. به گونه‌ای که این رقابت در سال‌های مختلف، سبب ایجاد تنش‌های سیاسی-امنیتی و شرایط بسیار پیچیده هیدروپلیتیکی بین کشورهای ساحلی شده است و آب را به یک ابزار سیاسی و امنیتی در منطقه تبدیل کرده است (Mianabadi and Amini, 2019).

– حوضه آبریز چوروح^۱

رودخانه چوروح در شمال شرق ترکیه واقع شده است و بین دو کشور ترکیه (۹۱٪ از مساحت این حوضه آبریز) و گرجستان (۹٪ از مساحت این حوضه آبریز) مشترک می‌باشد. رودخانه چوروح طولانی‌ترین رودخانه در منطقه شرق دریای سیاه است. طول این رودخانه ۴۲۶ کیلومتر است که ۴۰۰ کیلومتر آن در ترکیه، ۲۴ کیلومتر در گرجستان و ۲ کیلومتر مرز مشترک دو کشور می‌باشد (Akpınar et al., 2011). براساس آمار منتشر شده از طرف دولت ترکیه، نرخ تغییرات دبی سالیانه جریان در این رودخانه از حداقل ۳/۳ میلیارد مترمکعب در سال ۱۹۹۵ تا حداکثر ۱۱/۲ میلیارد مترمکعب در سال ۱۹۶۸ متغیر بوده است که متوسط جریان آن ۶/۳ میلیارد مترمکعب در سال گزارش شده است (Klaphake and Scheumann, 2011). بدلیل مساحت کوچک و شرایط توپوگرافی خاص این حوضه، پتانسیل تولید انرژی برقی در این حوضه بسیار بالا است. این منطقه به دلیل آن که تا حد زیادی توسعه نیافته است و دارای پتانسیل برقی بالایی است از اهمیت بسزایی برای اقتصاد ترکیه برخوردار است زیرا این حوضه پتانسیل تولید ۶۳٪ از کل انرژی تولیدی و ۲۴/۱٪ از انرژی برقی کشور ترکیه (در سال ۲۰۰۶) را داراست (Akpınar et al., 2011). براساس طرح جامع مصوب حوضه آبریز چوروح (مصوب ۱۹۸۲) قرار است بیش از ده سد بزرگ بر روی سرشاخه‌های این رودخانه در ترکیه احداث شود که در صورت آگیری مخازن آنها بیش از ۸۱۳۷ هکتار از اراضی حوضه زیرآب خواهد رفت که بخش عمده‌ای از آنها مناطق با پوشش جنگلی هستند (Aras, 2018).

ترکیه؛ ترکمنستان- ایران- ترکیه (Mousavi Shafaie and Emerald, 1396)

4. General Directorate of State Hydraulic Works

1. Coruh River Basin

۲. موقعیت جغرافیایی کشور ترکیه توانسته است این کشور را به کریدور انرژی خطوط انتقال نفت و گاز تبدیل کند.

۳. خط لوله‌ی آذربایجان- گرجستان- ترکیه؛ روسیه- ترکیه- اروپا؛ ایران-

به حداقل رساندن وابستگی کشور به واردات نفت در دستور کار قرار داده است» (Tigrek and Kibaroglu, 2011).

این سیاست ترکیه در قالب دکترین هارمون قابل تحلیل است. دکترین هارمون یکی از تئوری‌های بد آوازه در میان قوانین منابع طبیعی بین‌المللی است که در سال ۱۸۹۵ بر اساس دیدگاه دادستان کل آمریکا، جودسون هارمون^۱، در پاسخ به درخواست وزارت امور خارجه برای مشاوره در مورد اختلاف ایالات متحده با مکزیک در خصوص استفاده از آب رودخانه ریوگراندا^۲ شکل گرفت (McCaffrey, 1996). این دکترین به حاکمیت مطلق سرزمین بر آبراهه‌های بین‌المللی مشترک داخل مرزی هر کشور اشاره دارد و معتقد است آن قسمت از رودخانه‌های فرامرزی که در سرزمین هر کشور واقع شده است، جزء آب‌های ملی و داخلی آن کشور است و هر کشوری می‌تواند به هر روشی که بخواهد از آن استفاده کند. این دکترین بطور کامل برخلاف عدالت و انصاف بوده که توسط بسیاری از کنوانسیون‌ها و نهادهای بین‌المللی رد شده است (Mianabadi, 2014).

علیرغم این مسأله، اما نمود دکترین هارمون در گذشته در اظهارات دولت‌مردان کشور ترکیه کاملاً مشهود بوده است. برای نمونه، تورگوت اوزال در سال ۱۹۸۸ اظهار کرد: «همانطور که ما به اعراب نمی‌گوییم با نفتشان چه کاری انجام دهند، هیچ پیشنهادی هم از آن‌ها در خصوص چگونگی استفاده از آب‌هایمان نمی‌پذیریم» (Hussein, 2020). سلیمان دمیرل رئیس‌جمهور سابق ترکیه نیز مدعی بود «آب مانند نفت و سایر منابع طبیعی بوده و همه منابع طبیعی باید با رعایت حقوق طرفین به اشتراک گذاشته شوند. یک بشکه آب معادل یک بشکه نفت است. منابع آب متعلق به ترکیه است؛ منابع نفت متعلق به آنها. ما نمی‌خواهیم که آنها منابع نفت‌شان را با ما تقسیم کنند و آنها هم نمی‌توانند در منابع آبی ما سهیم باشند» (Patterson, 2008). رضا تکین، سفیر ترکیه در تهران نیز در سخنرانی کنفرانس ملی گرد و غبار (۱۳۹۶) در تهران اظهار کرد: «امروز یک بطری آب از یک بشکه نفت گران‌تر است و ملت‌ها تأکید دارند آب منبعی ملی و حق هر دولت است، حالا که آب از نفت هم گران‌تر است، پس چرا نفت را با هم شریک نمی‌شویم». دکترین هارمون مدت‌هاست در عرصه حقوق بین‌الملل و قوانین عرفی آب و محیط‌زیست منسوخ شده و دکترین‌های دیگری جایگزین آن شده‌اند.^۳

به دلیل رد و منسوخ شدن دکترین هارمون و عدم وجود مقبولیت جهانی برای به رسمیت شناختن رویکرد حاصل از این دکترین، کشور ترکیه نیز منش دیپلماسی آبی خود را تغییر داده است. به همین دلیل، سیاست‌مداران ترکیه با درک اهمیت دیپلماسی نرم و با تغییر موضع از دیپلماسی سخت (که برخاسته از دکترین هارمون است) اخیراً چنین ادعا می‌کند که آب ابزار دستیابی به اهداف سیاسی ترکیه نیست و مدعی هستند سازه‌های مهار حوضه‌های آبریز در این کشور هیچ تهدیدی برای کشورهای پایین‌دست حوضه‌های آبریز مشترک ایجاد نخواهد کرد (Tufekci, 2018). این رویکرد جدید ترکیه در قالب دکترین «عمق استراتژیک»^۴ که توسط احمد داوود اوغلو^۵، وزیر خارجه وقت ترکیه مطرح شده قابل تحلیل است. آشنایی با مؤلفه‌های دکترین عمق استراتژیک جهت مطالعه هیدروپلیتیک ترکیه، به دلیل اثرگذاری مستقیم آن بر منش دیپلماسی آب ترکیه بسیار حائز اهمیت است. از جمله مهم‌ترین زوایای این دکترین برای سیاست ترکیه عبارتند از (Daneshnia et al., 2015; Forughi et al., 2012):

۱. ترکیه قدرت مرکزی است. داوود اوغلو معتقد بود بنابر موقعیت تاریخی و جغرافیایی ترکیه، این کشور باید در زمره‌ی قدرتهای مرکزی قرار گیرد. براین اساس، ترکیه نباید تنها به ایفای نقش در منطقه بالکان یا خاورمیانه قانع باشد؛ بلکه باید در آسیای غربی، بالکان، قفقاز، آسیای مرکزی، منطقه خزر، مدیترانه، خلیج فارس و دریای سیاه حضور و نقش فعال داشته باشد و نقش استراتژیک جهانی خود را احیاء سازد.
۲. حل مسأله‌ی کردها و کاهش شکاف بین سکولارها و اسلام‌گرایان در ترکیه از پیش‌نیازهای داخلی این کشور برای بهبود و رشد شرایط استراتژیک است.
۳. اقتصاد، بازوی قدرت برای ترکیه است. ترکیه باید با توجه به ظرفیت اقتصادی که دارد به قدرت اقتصادی اول منطقه تبدیل شود و هرجایی که پای سربازان عثمانی به آنجا رسیده است پای اقتصاد ترکیه نیز باید به آنجا برسد.
۴. ترکیه باید از مسائل سیاسی، امنیت‌زدایی^۶ کند و در این راستا از ابزارهای قدرت نرم بطور جدی‌تر استفاده نماید.
۵. ترکیه باید به جای صرف هزینه‌های گزاف برای پیوستن به اتحادیه اروپا، بر روی کشورهای منطقه سرمایه‌گذاری کند به خصوص کشورهایی که زمانی جزء امپراطوری عثمانی بوده‌اند.

(Mianabadi, 2014)

4. Strategic Depth
5. Ahmet Davutoğlu

(بیست‌وششمین نخست وزیر ترکیه و در زمان رجب‌طیب اردوغان)

6. Desecuritization

1. Judson Harmon
2. Rio Grande

۳. برای مطالعه‌ی سایر دکترین‌های منابع آبی مشترک رجوع شود به مقاله «ملاحظات سیاسی و امنیتی و حقوقی در مدیریت رودخانه‌های مرزی»

دکترین عمق استراتژیک رویکرد نوینی در سیاست خارجی ترکیه ایجاد کرد که موسوم به رویکرد نئوعثمانی‌گرایی است. ترکیه در تلاش است در قالب این دکترین، تغییراتی از دیپلماسی سخت به دیپلماسی نرم در سیاست خارجی خود ایجاد کند که این تغییر رویکرد، تأثیر محسوسی نیز بر سیاست‌های آبی ترکیه داشته است. اگر چه سیاست‌گذاران و حکمرانان کشور ترکیه همچنان بر استراتژی مأموریت هیدرولیکی تأکید دارند؛ اما نحوه مواجهه با مسأله در قالب دکترین‌های مختلفی (در ابتدا دکترین هارمون و دیپلماسی سخت و در حال حاضر دکترین عمق استراتژیک و دیپلماسی نرم) که در سیاست آبی این کشور نمایان بوده است، متفاوت می‌باشد.

جهت نیل به اهداف مأموریت هیدرولیکی ترکیه، این کشور سه دسته از ابرپروژه‌های آبی را تعریف کرده است. این ابرپروژه‌های مأموریت هیدرولیکی به ترتیب در بخش‌های بعد معرفی خواهند شد.

۶- پروژه‌های مأموریت هیدرولیکی ترکیه

۶-۱- پروژه‌های مأموریت هیدرولیکی در داخل ترکیه

اجرای مأموریت هیدرولیکی در داخل ترکیه با اهداف متعدد از جمله کاهش وابستگی ترکیه به منابع خارجی انرژی فسیلی^۱، ایجاد توسعه و بهبود قدرت اقتصادی بوده و همچنین در برخی نواحی برای کنترل مسأله‌ی کردها (این مسائل در راستای مؤلفه‌های دوم و سوم دکترین عمق استراتژیک مطرح شده است) طراحی و برنامه‌ریزی شده است. ترکیه در راستای اقدامات مأموریت هیدرولیکی در داخل این کشور ده ابرپروژه تعریف کرده است که عبارتند از: ۱- پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ)^۲، ۲- پروژه آناتولی شرقی (داب)^۳، ۳- پروژه آناتولی مرکزی^۴، ۴- پروژه اگ‌گپ^۵، ۵- پروژه توسعه تراکیه (تراگپ)^۶، ۶- پروژه مرمه‌گپ^۷، ۷- پروژه توسعه مدیرانه (آک‌دنیزگپ)^۸، ۸- پروژه توسعه غرب دریای سیاه (باک‌گپ)^۹، ۹- پروژه توسعه شرق دریای سیاه (دکاپ)^{۱۰} و ۱۰- پروژه دشت قونیه (کوپ)^{۱۱}. جانمایی این

پروژه‌ها در شکل ۳ ارائه شده است. این درحالی است که متأسفانه اقدامات ترکیه در نزد سیاست‌گذاران، مجامع علمی و پژوهش‌های راهبردی در داخل کشور ما تنها محدود به پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ) شده است.

فیض‌الله ایروغلو، وزیر سابق جنگلداری و آب ترکیه، بیان کرده است این ابرپروژه‌ها نه تنها ظرفیت کشاورزی در ترکیه را افزایش می‌دهند بلکه منجر به بهبود اقتصاد ملی، وضعیت آب شرب و تولید انرژی نیز خواهند شد (Özkar, 2015). برای نمونه، او اظهار داشته است چنانچه تنها پروژه‌های گاپ، کوپ، داپ و تراگپ به اتمام برسند، می‌توانند سالانه ۱۰/۸ میلیارد دلار به اقتصاد ملی ترکیه کمک کنند (Özkar, 2015). بر این اساس، درآمدزایی این پروژه‌ها در حوزه آبیاری ۵/۷ میلیارد دلار، حوزه انرژی ۴/۶ میلیارد دلار و حوزه آب شرب ۵۱۰ میلیون دلار خواهد بود طبق ادعای فیض‌الله ایروغلو، این ابرپروژه‌ها می‌توانند ترکیه را به صادرکننده غذا در جهان تبدیل کنند (Özkar, 2015). تبدیل شدن ترکیه به صادرکننده غذا در جهان عواید اقتصادی بسیاری برای این کشور در پی خواهد داشت. این مهم در راستای مؤلفه سوم مطرح شده برای دکترین عمق استراتژیک نیز مطرح شده است. در ادامه هریک از این پروژه‌ها به اختصار تشریح می‌شوند.^{۱۲}

۶-۱-۱- پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ)

پروژه گاپ در سال ۱۹۷۰ طرح‌ریزی شده است و از مهم‌ترین پروژه‌های وزارت آب و جنگلداری ترکیه است که در جنوب شرقی این کشور یعنی منطقه آناتولی جنوب شرقی اجرا شده است.

این پروژه ۹ استان جنوب ترکیه را در برمی‌گیرد که شامل: آدیامان، باتمان، دیاربکر، غازی عینتاب، کیلیس، ماردین، سعرد، شانلیورفا و شرناق است. این پروژه با توجه‌های نظیر توسعه و مدیریت منابع آب و زمین برای آبیاری، بهبود مدیریت استفاده از مزارع، بهبود شیوه‌ی کشاورزی و الگوی کشت، توسعه تولید در صنایع، بهبود خدمات

۱. بر اساس گزارش سازمان تنظیم بازار انرژی ترکیه واردات نفت ترکیه در دسامبر سال ۲۰۱۸ نسبت به دوره مشابه سال ۲۰۱۷، ۱۰/۳۶ درصد کاهش یافت و به ۳ میلیون و ۱۸۶ هزار تن رسیده است.

2. Southeastern Anatolia Project or GüneyDoğu Anadolu Projesi (GAP)
3. Eastern Anatolia Project or Doğu Anadolu Projesi (DAP)
4. Orta Anadolu GEP
5. EGE Development Project or EGE Geis Projesi (EGEGEP)
6. Thrace Development Project or Trakya Gelism Projesi (TRAGEP)

7. MarmaraGEP

8. Mediterranean Development Project or Akdeniz Gelism Projesi (AkdenizGEP)

9. Western Black Sea Development Project or Bati Karadeniz Gelism Projesi (BAKGEP)

10. Eastern Black Sea Development Project or Dogu Karadeniz Kalkinma Projesi (DOKAP)

11. Konya Plain Project or Konya Ovasi Projesi (KOP)

۱۲. جزییات این پروژه‌ها در صفحات رسمی توئیتر و فیس‌بوک فیض‌الله ایروغلو، وزیر سابق جنگلداری و آب ترکیه، نیز مورد تأیید قرار گرفته و بصورت رسمی منتشر شده است.

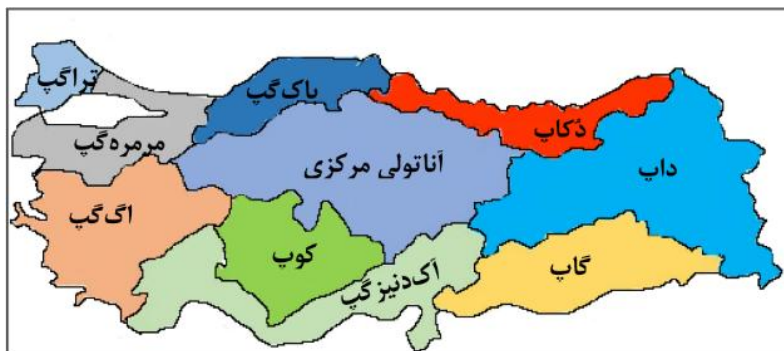


Fig. 3- Turkey's ten mega water projects
شکل ۳- ابر پروژه‌های ده گانه‌ی ترکیه

آبیاری، ۴۴ پروژه تأمین آب شرب، ۸۵۲ پروژه آبخیزداری، ۷۷ منطقه گردشگری، ۲۹۱ ایستگاه پیش‌بینی هواشناسی خودکار، ۵۲۹ طرح جنگلداری و درختکاری، ۵۷ جنگل پرورش زنبور عسل و ۱۲۷ تفرجگاه ساحلی، ۴ طرح تصفیه فاضلاب و ۱۹ پارک جنگلی (TCMB, 2015).

۶-۱-۴- پروژه اگ‌گپ

ساخت پروژه اگ‌گپ از سال ۲۰۰۵ آغاز شده است و قرار بوده است تا پایان سال ۲۰۱۹ به اتمام برسد. پروژه اگ‌گپ در مناطق منتهی به دریای اژه و در استان‌های ازمیر، افیون قره‌حصار، دنیزلی، موغله اجرا می‌شود. جزییات این پروژه به این شرح می‌باشد: ساخت ۳۹ سد و بند، ۴۹ سیستم آبیاری، ۷ پروژه تأمین آب شرب، ۴۱ پروژه آبخیزداری، ۵ منطقه گردشگری، ۱۹ ایستگاه پیش‌بینی هواشناسی خودکار، ۳ جنگل پرورش زنبور عسل، ۲۵ تفرجگاه ساحلی و تأمین آب شرب تقریباً دو میلیون نفر (TOB, 2015).

۶-۱-۵- پروژه توسعه تراکیه (تراکپ)

پروژه تراکپ در منطقه اروپایی ترکیه (تراکیه) اجرا می‌شود و طرح‌هایی برای توسعه منطقه در نظر دارد. این پروژه شامل طرح‌هایی برای تأمین آب شرب، آبیاری، گسترش سطح جنگل‌ها، بهبود سیستم هشدار سیلاب، کنترل فرسایش خاک و تأسیسات دفع زباله است. در چارچوب پروژه تراکپ، ۵۵۶ پروژه اجرا خواهد شد و ۲۴۴ هزار هکتار زمین کشاورزی ایجاد می‌شود. این پروژه نیز از جمله پروژه‌هایی است که قرار بوده است تا پایان سال ۲۰۱۹ به اتمام برسد. جزییات این پروژه بطور خلاصه به این شرح می‌باشد: ساخت ۸۵ سد و بند، ۸۴ سیستم آبیاری، ۱۷ پروژه تأمین آب شرب و ۱۳۲ پروژه آبخیزداری (TCTOB, 2016a).

اجتماعی و ایجاد اشتغال در منطقه و جلوگیری از مهاجرت ایجاد شده است و کشور ترکیه هدف خود از پروژه گاب را بهبود سطح درآمد و کیفیت زندگی مردم محلی با استفاده از منابع محلی، بهبود اقتصاد ملی و ثبات اجتماعی مطرح کرده است (Mianabadi and Amini, 2019). درآمدزایی اقتصادی پروژه گاب برای ترکیه سالانه ۶/۶ میلیارد دلار برآورد شده است (Özkar, 2015). این پروژه شامل ۲۵ سیستم آبیاری، ۲۲ سد، ۱۹ نیروگاه برق‌آبی، آبیاری ۱۰۵۸ میلیون هکتار اراضی کشاورزی و ۹ پروژه تأمین آب آشامیدنی است.

۶-۱-۲- پروژه آناتولی شرقی (داب)

پروژه داب در منطقه آناتولی شرقی اجرا می‌شود و ۱۴ استان ترکیه از جمله ارزروم، ارزنیجان، ملطبه، سیواس، الازیغ، تونج‌ایلی، بینگول، موش، آردهان، ایغدیر، قارص، وان، بتلیس و آغری را دربرمی‌گیرد. این پروژه در مناطق همجوار با کشور ایران در دست اجرا می‌باشد که می‌تواند بر منابع آب و وضعیت زیست‌محیطی ایران اثرگذار باشد. طبق اظهارات فیصل ایروغلو، بعد از اتمام این پروژه درآمدزایی در حوزه پروژه‌های آبیاری ۱/۰۷۸ میلیارد دلار، حوزه انرژی ۳۰۰ میلیون دلار و ۴۰ میلیون دلار در حوزه آب شرب خواهد بود که در مجموع ۱/۴۱۸ میلیارد دلار می‌شود. بعد از اتمام پروژه داب ۲۲۰ هزار شغل ایجاد می‌شود (DAP, 2020).

۶-۱-۳- پروژه آناتولی مرکزی

پروژه آناتولی مرکزی در استان‌های سیواس، چوروم، توقات و آنکارا اجرا می‌شود و هدف آن تأمین انرژی، آب شرب، اشتغال‌زایی، توسعه فضای جنگلی و کشاورزی در منطقه است. در راستای تأمین این اهداف، احداث سد‌ها، پارک‌های ملی و همچنین جنگل‌هایی پرورش زنبور عسل در دست اجرا می‌باشد و جزییات این پروژه به این شرح است: ساخت ۲۸ سد و بند، ساخت ۱۳۷ نیروگاه برق‌آبی، ۴۱۷ سیستم

۶-۱-۶- پروژه مرمه‌گپ

پروژه مرمه‌گپ در استان‌های بوسرا، استانبول، کوچالی اجرا می‌شود و هدف آن تأمین آب شرب، کشاورزی و ایجاد اشتغال است. جزییات این پروژه به این شرح می‌باشد: ساخت ۲۲۰ سد و بند، ساخت ۴۸ نیروگاه برقابی و تولید سالانه ۲/۹۳ میلیارد کیلووات ساعت انرژی برقابی، ۲۶۷ سیستم آبیاری، ۴۶ پروژه تأمین آب شرب، ۲ مورد تأسیسات انتقال آب و فاضلاب، ۲۳۰ پروژه آبخیزداری، ۲۱۶ ایستگاه پیش‌بینی هواشناسی خودکار، ۶۱ جنگل پرورش زنبور عسل و ۵۴۵ تفرجگاه ساحلی و ۴ پارک جنگلی، ۴ طرح برای تثبیت و ردیابی طوفان و رعد و برق. همچنین در این مناطق ۱۰ میلیون درخت میوه کاشته خواهد شده و آب شامیدنی بیش از ۴۱ میلیون نفر تأمین می‌شود (TCTOB, 2016c).

۶-۱-۱۰- پروژه دشت قونیه (کوپ)

پروژه کوپ در منطقه قونیه (آناتولی مرکزی) اجرا خواهد شد. توسعه آبیاری زمین‌های کشاورزی، تأمین آب شرب و صنعت از اهداف عمده این پروژه است. براین اساس، در برنامه این طرح ساخت تونل‌های انتقال آب از استان عثمانیه به قونیه با هدف توسعه کشاورزی و کنترل بحران خشکسالی در استان قونیه قرار گرفته است. این پروژه شامل ۱۴ طرح آبیاری و ۳ طرح آب شرب است. سرمایه‌گذاری این پروژه بیش از ۳/۵ میلیارد دلار می‌باشد. طبق اظهارات فیصل ایروغلو، درآمدزایی این پروژه بعد از اتمام ۲/۵۷ میلیارد دلار در سال خواهد بود که از این میزان ۲/۲ میلیارد دلار در سال از حوزه کشاورزی، ۳۰۰ میلیون دلار از حوزه انرژی و ۷۰ میلیون دلار از حوزه آب شرب بدست می‌آید (KOP, 2016; Özkar, 2015).

۶-۱-۷- پروژه توسعه مدیترانه (آک‌دنیزگپ)

پروژه آک‌دنیزگپ در مناطق منتهی به دریای مدیترانه اجرا می‌شود و به پروژه توسعه مدیترانه معروف است. این پروژه از سال ۲۰۰۰ آغاز گشته و قرار بوده است تا سال ۲۰۱۹ به اتمام برسد. پروژه آک‌دنیزگپ در استان‌های مرسین، قهرمان مرعش، آدانا، عثمانیه، هاتای، اسپارتا و بوردور اجرا می‌شود. جزییات این پروژه به این شرح است: ساخت ۷۷ سد و بند، ساخت ۶۷ نیروگاه برقابی، ۱۲۰ سیستم آبیاری، ۱۴ پروژه آبخیزداری، ۲۲ منطقه گردشگری، تولید ۱۶/۹ میلیارد کیلووات ساعت انرژی الکتریکی، ۲۲ ایستگاه پیش‌بینی هواشناسی خودکار، ۱۹ جنگل پرورش زنبور عسل، ۱۶۲ تفرجگاه ساحلی و تأمین آب شرب ۳ میلیون نفر (TCTOB, 2016b).

۶-۲- پروژه‌های انتقال آب از ترکیه

به‌طور کلی در هر طرح انتقال آب بین حوضه‌ای در مقیاس فراملی و یا فراملی باید شش اصل اساسی در قالب ملاحظات اقتصادی، اجتماعی، اقلیمی، محیط‌زیستی، سیاسی و فنی مدنظر قرار گیرد. در طرح‌های انتقال آب بین‌کشوری نیز بی‌توجهی به هر یک از این اصول می‌تواند تبعاتی را برای کشور مبدأ، کشور مقصد و همچنین مشکلاتی را برای مناطق واقع شده در مسیر انتقال ایجاد سازد. علی‌رغم وجود چنین تبعاتی، کشور ترکیه خود پیشنهادیه انتقال آب از این کشور به کشورهای همسایه را ارائه کرده است. کشور ترکیه سالیان طولانی در صدد ایجاد وابستگی منبع غنی آبی خود نه تنها میان کشورهای همسایه، بلکه کشورهایی که با آن فاصله‌ی بیشتری دارند بوده است. پروژه «انتقال آب صلح» نمونه‌ای از ادعای تلاش متمادی ترکیه برای ایجاد وابستگی از طریق طرح‌های انتقال آب است. تورگوت اوزل، رئیس‌جمهور وقت ترکیه، در سال ۱۹۸۶ این پروژه را برای مشکلات آبی کشورهای آسیای غربی پیشنهاد داد. ترکیه هدف خود را از پروژه انتقال آب صلح، توسعه همکاری با همسایگان این کشور به‌واسطه تأمین آب شرب عنوان کرده بود (Ataman, 2002). این درحالی است که تأمین آب شرب برای مردم در خود کشور ترکیه یک چالش بسیار اساسی است. از آن زمان امکان‌سنجی و ابعاد سیاسی و تأمین مالی این پروژه بیش از ابعاد فنی آن مورد بحث و چالش قرار گرفته است.

۶-۱-۸- پروژه توسعه غرب دریای سیاه (باک‌گپ)

پروژه باک‌گپ در منطقه غرب ترکیه اجرا می‌شود و شامل مناطق غرب دریای سیاه و بخش‌هایی از آناتولی مرکزی و استان‌های بوسرا، استانبول و کوچالی است. طرح‌های این پروژه شامل ساخت ۸ سد و ۶ پروژه تأمین آب شرب است (TCTOB, 2013).

۶-۱-۹- پروژه توسعه شرق دریای سیاه (دکاپ)

پروژه شرق دریای سیاه به پروژه دکاپ مشهور است. هدف آن ارتقای ظرفیت کارآفرینی مناطق شرق دریای سیاه می‌باشد و ۹ شهر را در بر می‌گیرد که عبارتند از: آرتوین، بایبورد، گره‌سون، گوموش‌خانه، اردو، ریزه، صامسون، توقات و ترازون (DOKAP, 2019).

این چالش‌ها به خوبی گویای این حقیقت می‌باشد که هدف ترکیه از ارائه پیشنهادیه طرح‌های انتقال آب به کشورهای همسایه یا غیرهمسایه، ایجاد وابستگی و به‌تبع آن کسب نفوذ سیاسی و درآمدزایی است. این فرآیند به‌خوبی نمایانگر منطق فرصت‌سازی ترکیه از منابع

آبی است. زیرا با در پیش گرفتن پروژه‌های خط لوله انتقال آب در کنار ساخت سدهای متعدد، ترکیه‌ای‌ها نه تنها همسایگان، بلکه کشورهای فاصله بیشتری با این کشور دارند را نیز می‌توانند در خصوص حیاتی‌ترین منبع، به خود وابسته سازند (این مسأله به خوبی با مؤلفه‌ی اول دکترین عمق استراتژیک مطرح شده مطابقت دارد). برخی از مهم‌ترین خطوط انتقال آب دیگری که ترکیه برای کشورهای منطقه پیشنهاد داده است عبارت‌اند از: ۱- انتقال آب از رودخانه‌های سیحان^۱ و جیحان^۲ به کشورهای حاشیه خلیج فارس، ۲- انتقال آب از رودخانه ماناواگات^۳ به سرزمین‌های اشغالی و چند کشور دیگر، ۳- انتقال آب از رودخانه آنامور به قبرس و ۴- انتقال آب از رودخانه‌های سیحان و جیحان به اردن. جزئیات این طرح‌ها در ادامه تشریح می‌شوند.

۶-۲-۱- انتقال آب ترکیه به کشورهای عربی و حاشیه‌ای خلیج فارس

پیشنهادی اولیه انتقال آب از ترکیه به کشورهای عربی در سال ۱۹۸۶، تحت عنوان «پروژه انتقال آب صلح» مطرح شد. بر اساس این پیشنهاد، ترکیه در نظر داشت آب رودخانه‌های سیحان و جیحان را به کشورهای عربی و حاشیه خلیج فارس انتقال دهد. میانگین آورد روزانه‌ی این دو رودخانه ۳۹/۱۷ میلیون مترمکعب است که از این مقدار، روزانه ۶ میلیون مترمکعب برای انتقال در نظر گرفته شده بود. در آن زمان هزینه این پروژه ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده شده بود. مقامات ترکیه انتظار داشتند هزینه این پروژه توسط کشورهای عربی تأمین شود. آن‌ها مدعی بودند که کشورهای عربی طی ۱۰ سال آینده باید حدود ۳۵ میلیارد دلار در جهت افزایش نیاز آبی و زیرساخت‌های آبی هزینه کنند که این پروژه می‌تواند برای این کشورها بسیار مقرون به صرفه‌تر باشد. اما نه سازمان‌های بین‌الملل و نه کشورهای عربی علاقه‌ای به تأمین مالی این پروژه نداشتند. سعودی‌ها مدعی بودند که شیرین‌سازی آب یک راه‌حل ارزان‌تر و پایدارتری برای تأمین آب مورد نیاز آن‌ها است (Yildiz, 2018).

در این طرح در نظر بود آب از رودخانه‌های سیحان و جیحان توسط دو خط لوله، به نام‌های خط انتقال غربی و خط انتقال شرقی، به شهرهای بزرگ در سوریه، اردن و کشورهای عربی حاشیه‌ی خلیج

فارس انتقال یابد. بنابر برآوردهای صورت گرفته، آب حاصل از انتقال این پروژه، می‌توانست نیازهای ۱۵ میلیون نفر را تأمین کند. حجم آب تحویلی هر دو پروژه بر مبنای جمعیت شهرهای بزرگ مسیر خط انتقال در نظر گرفته شده بود. ویژگی‌های فنی پیشنهاد شده برای این دو خط انتقال بدین شرح است (شکل ۴):

- خط غربی: طول این خط انتقال ۲۶۵۰ کیلومتر و ظرفیت روزانه ۳/۵ میلیون مترمکعب و هزینه آن ۸/۵ میلیارد دلار برآورد شده بود (Gruen, 2007). مقصد این خط، شهر مکه در نظر گرفته شده بود و این خط انتقال از شهرهای حما، حمص، دمشق، امان، یبوع و مدینه نیز عبور می‌کرد. هزینه انتقال هر متر مکعب آب، براساس مطالعاتی که ۳۰ سال پیش صورت گرفته بود، ۰/۸۴ دلار تخمین زده شده بود (Yildiz, 2018).

- خط انتقال شرقی یا خط انتقال خلیج: این خط انتقال از کشورهای سوریه و اردن به سمت کویت، بحرین، قطر و امارات متحده‌ی عربی در نظر گرفته شده بود. این خط از خط انتقال غربی طولانی‌تر و طول آن ۳۹۰۰ کیلومتر در نظر گرفته شده بود. در مطالعات اولیه این طرح، ظرفیت روزانه آن ۲/۵ میلیون متر مکعب و هزینه هر واحد انتقال آب ۱/۰۷ دلار برآورد و هزینه کلی خط انتقال شرقی ۱۲ میلیارد دلار تخمین زده شده بود (Gruen, 2007; Yildiz, 2018).

بطور خلاصه، ابعاد فنی و اقتصادی این پروژه، ۳۲ سال پیش توسط بسیاری از کارشناسان مورد پذیرش قرار گرفته بود اما ابعاد و اهداف سیاسی این پروژه مورد تردید جدی واقع شد (Yildiz, 2018). این پروژه در نهایت مورد پذیرش کشورهای عربی واقع نشد. براین اساس، ترکیه پیشنهادیه دیگری برای انتقال آب از رودخانه‌های سیحان و جیحان به اردن مطرح کرد. ذکر این نکته ضروری است که در پیشنهادیه اولیه پروژه انتقال آب صلح، مشارکت سرزمین‌های اشغالی نیز در نظر گرفته شده بود که این مسأله از همان ابتدا با مخالفت کشورهای عربی مواجه شد.

بر این اساس، ترکیه برای سرزمین‌های اشغالی پروژه دیگری از رودخانه ماناواگات و به واسطه مسیر دریایی تعریف کرد که بدین واسطه برای انتقال آب نیازی به عبور خط انتقال آب از کشور پر تنش چون سوریه نباشد (Yildiz, 2018).

۳. رودخانه ماناواگات از دامنه‌ی شرقی رشته کوه‌های توروس سرچشمه می‌گیرد و بعد از طی مسافت ۹۰ کیلومتر به دریای مدیترانه می‌ریزد. بیشینه‌ی جریان این رودخانه ۵۰۰ متر مکعب بر ثانیه و کمینه‌ی آن ۳۶ متر مکعب بر ثانیه است. میانگین سالیانه جریان رودخانه ماناواگات ۳/۶ میلیارد متر مکعب است که در نظر بود تنها سالانه ۱۸۰ میلیون متر مکعب آن انتقال یابد (Rende, 2007).

۱. رودخانه سیحان طولانی‌ترین رودخانه ترکیه است (۵۶۰ کیلومتر). سرچشمه آن میانه‌ی رشته کوه‌های توروس است و از استان‌های قیصریه، آدانا و مرسین می‌گذرد و نهایتاً به دریای مدیترانه می‌ریزد.
۲. رودخانه جیحان از شرق رشته کوه‌های توروس سرچشمه می‌گیرد و بعد از طی ۵۰۹ کیلومتر از استان قهرمان‌مرعش می‌گذرد و به دریای مدیترانه می‌ریزد.

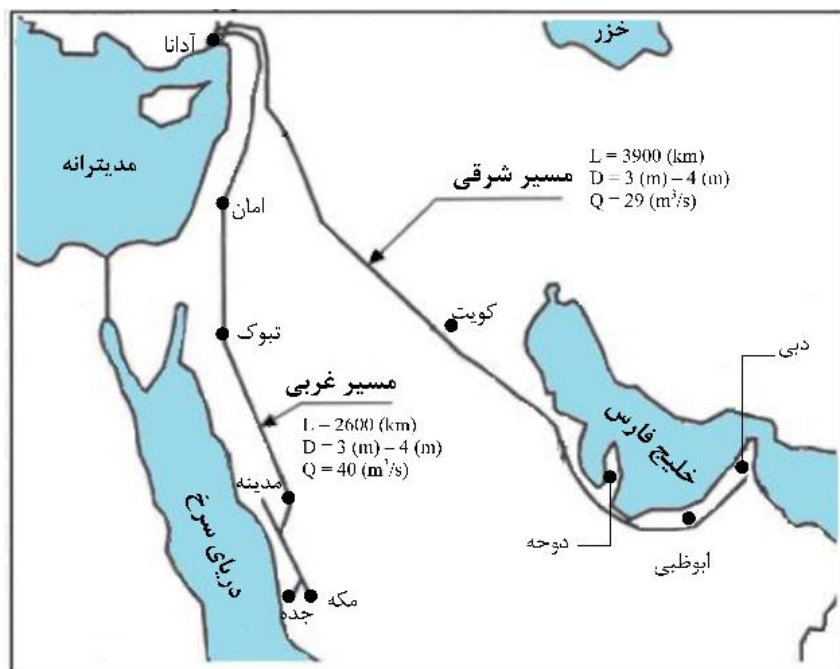


Fig. 4- Peace Water Project (Yildiz, 2018)
 شکل ۴- پروژه آب صلح (Yildiz, 2018)

۵۳۰ کیلومتری و به مدت ۲۰ سال توافقنامه‌ای امضا کردند. ترکیه برای هر متر مکعب آب رودخانه ماناواگات ۰/۲۳ دلار درخواست کرده بود که با احتساب هزینه‌های حمل و تصفیه آب، قیمت تمام شده هر مترمکعب آب به حدود ۰/۵۵ دلار می‌رسید. در صورتی که رژیم صهیونیستی با استفاده از دستگاه‌های آب‌شیرین‌کن برای هر متر مکعب آب ۲/۶۰ دلار می‌پرداخت. این پروژه در نهایت ماه مه سال ۲۰۰۶ متوقف شد و طرفین همکاری بیشتر را برای آینده موکول کرده‌اند (Gruen, 2007).

۳-۲-۶- انتقال آب ترکیه به قبرس

در سال ۱۹۹۷ پروتکلی بین وزارت امور خارجه قبرس و وزارت انرژی و منابع طبیعی ترکیه برای تأمین و انتقال آب به بخش شمالی قبرس به امضاء رسید. بر این اساس، قیمت هر متر مکعب آب تحویلی به بخش ترکیه‌ای قبرس ۰/۵۵ دلار برآورد شده بود هر چند که این قرار داد در نهایت لغو شد. در ۲۴ اکتبر سال ۲۰۰۴ توافقنامه جدیدی برای انتقال آب از ترکیه به قبرس توسط شرکتی از رژیم صهیونیستی منعقد شد که طبق این قرارداد قیمت هر متر مکعب آب ۰/۶۰ دلار برآورد شد.

این پروژه که به عنوان «پروژه قرن» نامیده شد ساحل جنوبی ترکیه را با ساحل شمالی قبرس پیوند داده و آب شیرین را به این جزیره می‌رساند.

۲-۲-۶- پروژه انتقال آب از رودخانه ماناواگات

پس از آنکه پروژه انتقال آب صلح وارد مرحله عملیاتی نشد، ترکیه پروژه انتقال آب از رودخانه ماناواگات را مطرح کرد. در این پروژه در نظر بود آب شیرین رودخانه ماناواگات از طریق مسیر دریایی به بنغازی و طرابلس در لیبی، جزیره مالت، حیفا در سرزمین‌های اشغالی، هراکلیون در یونان، کایرنیا در قبرس شمالی، غزه در فلسطین و همچنین شهر استانبول ترکیه که با مشکل آب شرب مواجه است منتقل شود (شکل ۵). در این میان رژیم صهیونیستی تنها کشور بود که تمایل به خرید آب از رودخانه ماناواگات داشت. اهمیت این پروژه برای رژیم صهیونیستی فراتر از تأمین آب مورد نیاز این کشور بود. این کشور انگیزه خود را خشکی بی‌سابقه رودخانه اردن و تأمین نیاز آبی اعلام کرده بود این در حالی بود که این پروژه با ظرفیت انتقال سالانه ۵۰ میلیون مترمکعب تنها ۳٪ از نیاز سالانه این کشور را می‌توانست تأمین کند. انگیزه‌ی دیگر رژیم صهیونیستی از موافقت با این پروژه، تقویت روابط با ترکیه و علائق سیاسی این کشور بود. شارون، نخست وزیر وقت، در این خصوص معتقد بود انتقال آب از ترکیه بر روابط استراتژیک ترکیه و این کشور اثرگذار است و از این جهت بسیار حائز اهمیت می‌تواند باشد (Gruen, 2007).

بر این اساس، دو کشور ترکیه و رژیم صهیونیستی در ۵ ژانویه ۲۰۰۴، در خصوص انتقال سالانه ۵۰ میلیون متر مکعب آب از رودخانه ماناواگات به ساحل اشکلون در سرزمین‌های اشغالی با فاصله‌ای حدوداً

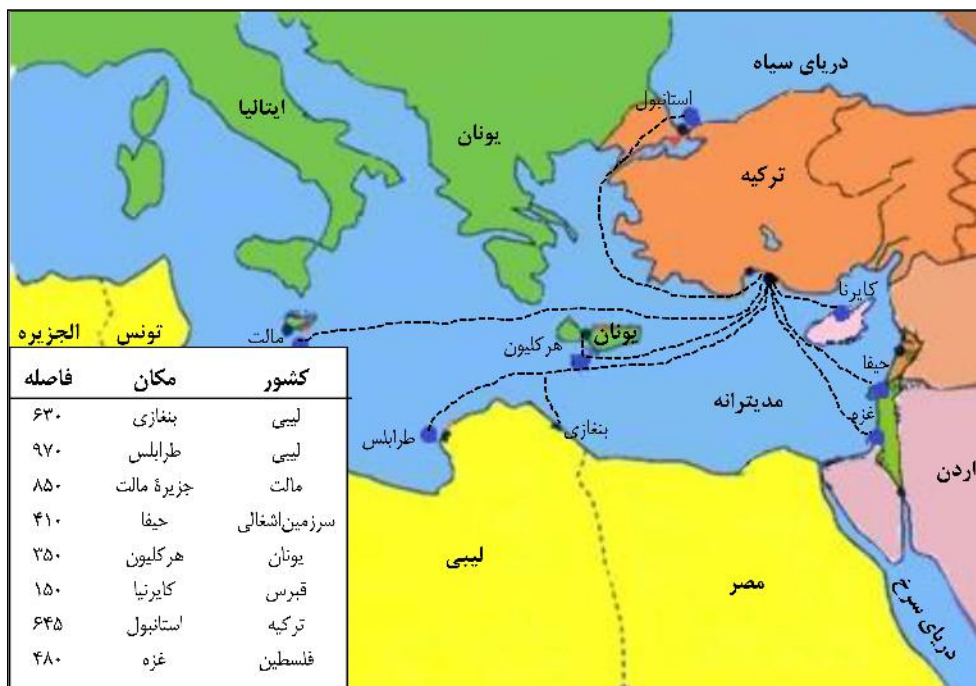


Fig. 5- Water transmission line from the Manavgat (Gürer and Ülger, 2007)
شکل ۵- خط انتقال آب از رودخانه ماناوگات (Gürer and Ülger, 2007)

با مشکلات جدی کمبود آب مواجه بوده است انتقال خواهد یافت. با توجه به اظهارات کارشناسان ترکیه‌ای در خصوص این خط انتقال، به سبب آن که مسیر انتقال آب کوتاه‌تر است، هزینه‌ها نیز نسبت به هزینه‌ی پروژه خط انتقال آب صلح کمتر خواهد بود و ترکیه مدعی است با توجه به پیشرفت فن آوری نسبت به ۳۰ سال گذشته و در مقایسه با پروژه پیشنهادی در آن زمان، سرمایه‌گذاری اولیه و هزینه عملیاتی پروژه را کاهش خواهد یافت. براین اساس، بنابر محاسبات سال ۱۹۸۶، هزینه‌ی خط انتقال آب کوتاه‌تر از رودخانه‌های سیحان و جیحان به سمت اردن ۵ میلیارد دلار برآورد شد. ترکیه مدعی است که این پروژه به سبب توسعه فنی و تکنولوژی نسبت به پروژه تعریف شده سال ۱۹۸۶ عملیاتی خواهد بود. در طرح جدید، ظرفیت سالانه انتقال آب ۲/۲ میلیارد متر مکعب است که این میزان در مقایسه با میانگین آورد رودخانه اردن ۱/۶ برابر بیشتر می‌باشد.

براین اساس، امکان‌سنجی اقتصادی و فنی پروژه توسط بسیاری از متخصصان پذیرفته شده است. اما امکان‌سنجی سیاسی پروژه در منطقه همچنان مورد بحث است. یقیناً شرایط سیاسی کنونی منطقه، ناپایداری از سال‌های ۱۹۸۰ و اوایل ۲۰۰۰ است که پیشنهادیه اولیه (پروژه انتقال آب صلح) مطرح بود و همچنین قرار است این خط انتقال

برای اجرایی کردن این پروژه، سد «آلاکوپرو» بر رودخانه آنامور در استان مرسین ترکیه و سد «گچیت کوی» در جمهوری ترک قبرس شمالی در نزدیکی گیرنه در سال ۲۰۱۴ ساخته شدند. در هفت ژوئن ۲۰۱۴ نیز کارهای ساخت خط لوله از طریق دریا به اتمام رسید. آب ذخیره شده در سد «آلاکوپرو» از طریق خط لوله‌ای که طول آن در قسمت ترکیه ۲۴ کیلومتر، مسیر دریایی آن ۸۰ کیلومتر و در جمهوری ترک قبرس شمالی سه کیلومتر بوده و در مجموع ۱۰۷ کیلومتر می‌باشد به قبرس انتقال می‌یابد. حجم آورد این رودخانه سالانه ۷۵۰ میلیون مترمکعب است و از این مقدار ۷۵ میلیون مترمکعب به قبرس می‌رسد. این پروژه در نهایت در سال ۲۰۱۷ تکمیل شد. هزینه‌ی این پروژه ۵۰۰ میلیون دلار برآورد شده است.

۴-۲-۶- انتقال آب ترکیه به اردن

پس از اتمام پروژه انتقال آب قبرس، پروژه‌های انتقال آب به آسیای غربی نسبت به قبل مورد توجه بیشتری قرار گرفته است. به سبب عدم پذیرش اجرای خط انتقال آب صلح به واسطه کشورهای عربی، ترکیه پیشنهادیه دیگری را برای کشور اردن مطرح کرد. در این پروژه، آب به واسطه خط انتقال کوتاه‌تری به این کشور که در طی ۳۰ سال اخیر

۱. مطالعات اقتصادی این پروژه توسط دانشگاه‌های اوسکا، تورنتو و پنسیلوانیا انجام شده است.

از کشور سوریه بگذرد که این کشور در حال حاضر ثبات سیاسی برخوردار نیست و این مسأله بر امکان‌پذیری سیاسی این پروژه تأثیرگذار است. لذا توجه به امکان‌پذیری سیاسی پروژه بسیار حائز اهمیت است (Yildiz, 2018).

در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰، سفیر اردن در سازمان ملل، به اهمیت انتقال آب از ترکیه به واسطه چنین پروژه‌ای تأکید کرد و همچنین رئیس مرکز مطالعات اقتصادی و فنی در امان^۱ نیز حمایت از این پروژه را اعلام کرد. در کنار تمام موافقت‌ها و حمایت‌ها توجه به چالش تغییر اقلیم بسیار حائز اهمیت است و می‌تواند پایداری پروژه را تحت‌الشعاع قرار دهد. مطالعه‌ی بررسی تغییرات روند بارش و دمای هوا در طول سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۰۹ حوضه سیحان، روند صعودی قابل توجهی در سری زمانی سالانه دما و همچنین روند نزولی قابل توجهی در سری زمانی سالانه بارش را نشان داده است. این پروژه در حالی پیشنهاد شده است که تغییرات اقلیمی هم‌اکنون نیز بر حوضه سیحان که خط لوله صلح از آن می‌گذرد تأثیرگذار بوده است (Yildiz, 2018).

براساس شواهد مطروحه، پرواضح است که مطرح شدن این طرح‌ها صرفاً با هدف جبران کمیابی آب نیست؛ زیرا حجم آب انتقالی تنها بخش بسیار کوچکی از کمبود را می‌تواند جبران کند. در حالی که هزینه‌های اقتصادی و امنیتی و زیست‌محیطی بسیاری به همراه دارند. لذا پیشنهاد و پیگیری این طرح‌ها توسط ترکیه، عمدتاً با اهداف سیاسی و امنیتی از جمله احیای قدرت امپراتوری عثمانی و تلاش برای رهبری منطقه پیرامونی در کنار عواید اقتصادی دنبال می‌شود، این در حالی است که این طرح‌ها چالش‌های محیط‌زیستی، سیاسی و اجتماعی بسیاری به همراه دارند.

۳-۶- پروژه‌های آبی فرامرزی ترکیه

مطرح شدن دکترین عمق استراتژیک تغییرات جدی در رویکرد و روند سیاست‌گذاری خارجی دولت ترکیه به همراه داشت. در این روند نگاه ترکیه بیش از پیش به شرق و مخصوصاً کشور افغانستان منعطف شد و سرمایه‌گذاری در کشورهای دیگر را در دستور کار خود قرار داد. این مسأله مؤلفه پنجم دکترین عمق استراتژیک مطرح شده را پوشش می‌دهد؛ زیرا سیاست‌گذاران ترکیه معتقد بودند این کشور نباید تنها به ایفای نقش در منطقه بالکان یا خاورمیانه قانع باشد و باید بر روی کشورهای دیگر نیز سرمایه‌گذاری کند. نمود این نگرش در پروژه‌های آبی فرامرزی ترکیه نیز قابل شناسایی است و در سرمایه‌گذاری و مشارکت ترک‌ها در ساخت و بهره‌برداری از سدها، پروژه‌ها و

برنامه‌های کلان آبی سایر کشورها از جمله افغانستان به راحتی قابل مشاهده است. از جمله این طرح‌ها و پروژه‌های کلان می‌توان به سرمایه‌گذاری و افتتاح فاز سوم سد کمال‌خان و همچنین توسعه ظرفیت سد کجکی به یک میلیارد مترمکعب بر روی رودخانه هیرمند توسط ترک‌ها اشاره کرد. ترکیه در حال قلمروسازی گفتمانی در افغانستان است تا بتواند با نفوذ اندیشه، فرهنگ و کالا در این کشور بر آن مسلط شود همچنین بتواند انگاره‌ها و اندیشه‌هایش را در افغانستان در راستای نظم سیاسی و ژئوپلیتیک مطلوب خود تنظیم نماید. بدیهی است اقدامات آبی ترکیه در حوضه‌های آبی هیرمند به جد امنیت آبی شرق کشور به خصوص منطقه شدت بحرانی سیستان را تهدید می‌کند (Nagheebay, 2014).

۳-۶-۱- سرمایه‌گذاری در سد کجکی در افغانستان

سد کجکی در شهرستان کجکی در استان هلمند واقع شده است. این سد بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۵۴ توسط شرکت خصوصی آمریکایی موریسون نودسون، ساخته شد. فاز اول این سد در همان زمان با ظرفیت تولید ۵۱ مگاوات برق تکمیل شد؛ اما کار احداث فاز دوم این سد به دلیل مشکلات داخلی افغانستان به تعویق افتاد. اما وزارت آب و انرژی افغانستان در تعاملی سه جانبه با کشورهای آمریکا و ترکیه، قرارداد اجرایی فاز دوم سد کجکی را امضا کرد. شرکت موسوم به «۷۷» ترکیه قرار است با سرمایه‌گذاری ۲۰۰ میلیون دلاری توربین‌هایی را نصب کند و پس از نصب توربین‌ها و تولید انرژی هزینه آن را از محل فروش برق از شرکت توزیع برق برشنا^۲ دریافت کند (Sputnik, 2017). عبدالصیر عظیمی، مین مالی و اداری وزارت آب و انرژی افغانستان اظهار کرد براساس این قرارداد ذخیره آب این سد از ۱/۲ میلیارد متر مکعب به ۲/۳۴ میلیارد مترمکعب افزایش خواهد یافت و تولید برق این سد از ۵۱ مگاوات به ۱۵۲ مگاوات خواهد رسید (Wadsom, 2016). علاوه بر تولید برق، انباشت این مقدار آب توان آبیاری صد هزار هکتار زمین کشاورزی را در آینده خواهد داشت.

۳-۶-۲- ساخت سد کمال‌خان در افغانستان

سد کمال‌خان در ۹۵ کیلومتری شهر زرنج و بر رودخانه هیرمند ساخته شده است. کار ساخت سد کمال‌خان با طرح سه فاز، در سال ۱۳۴۵ آغاز شد اما متوقف شد و مجدد در سال ۱۳۹۰ از سر گرفته شد. فاز دوم ساخت این سد، در سال ۱۳۹۴ پایان یافت. فاز سوم سد کمال‌خان با هزینه ۷۸ میلیون دلار از بودجه توسعه دولت افغانستان ساخته می‌شود. اجرای این فاز را یک شرکت ترکی به نام شرکت پمتک بر

۱. پایتخت و پرجمعیت‌ترین شهر کشور اردن است

۲. شرکت دولتی توزیع برق در افغانستان

عهدہ گرفته است. پس از پایان این فاز از پروژه، قرار است ظرفیت مخزن این سد به ۵۴ میلیون مترمکعب، سطح زیرکشت به ۸۱ هزار هکتار و ظرفیت تولید برق به ۹.۵ مگاوات برسد (Thomas and Varzi, 2015).

۷- یافته‌ها: تبیین پیامدهای مأموریت هیدرولیکی برای هیدروپلیتیک ترکیه

در پیش گرفتن مأموریت هیدرولیکی مانند ساخت سازه‌های عظیم مانند سد و پروژه‌های انتقال آب با هدف تأمین امنیت آبی، غذایی و امنیت انرژی برای انسان علاوه بر فرصت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مختلف که در این نوشتار به آن‌ها اشاره شد، چالش‌هایی را نیز در بردارد. عمده‌ترین چالش تغییر اقلیم است. بی‌توجهی به عدم قطعیت‌های طبیعی ناشی از تغییر اقلیم در اجرای طرح‌های سازه‌ای و مأموریت هیدرولیکی می‌تواند چالش‌های مرتبط با آب را که منبعی با ماهیت اشتراکی است تشدید سازد. مهندسان همواره در تلاش بوده‌اند که با مهندسی سامانه‌های منابع آب و بواسطه ایجاد زیرساخت‌های آبی مختلف بر تنوع طبیعت سلطه یابند. مهندسی و طراحی این سازه‌ها عمدتاً براساس مشاهدات تاریخی ضبط شده و یا داده‌های ساختگی مدل‌سازی و پیش‌بینی شده است. این داده‌ها عمدتاً عدم قطعیت بسیار زیادی دارند و بطور قاطع قادر به پیش‌بینی روند مبهم تغییر اقلیم نمی‌باشند (Ludwig et al., 2016; Milly et al., 2008). این مسأله منجر به ساخت سازه‌هایی غیرسازگار با اقلیم خواهد شد (McCracken et al., 2018).

همچنین، تغییر اقلیم تغییراتی را در چرخه هیدرولوژیکی ایجاد کرده و وقوع پدیده‌های حدی مانند خشکسالی و سیل را رقم زده است (McCracken et al., 2018; Michel and Pandya, 2009; Svendsen and Künkel, 2009). این در حالی است که زمان طراحی، اجرا و بهره‌برداری از سازه‌های عظیم (مانند سد‌ها و طرح‌های انتقال آب) بازده طولانی‌مدت دربرمی‌گیرد و ممکن است زمان طراحی چنین پروژه‌هایی در دوره خشکسالی باشد و زمان بهره‌برداری از آن مصادف با دوره ترسالی و بارش‌های سیل‌آسا باشد و یا بالعکس. بنابراین سازه‌های عظیم و مأموریت هیدرولیکی تضمین‌کننده امنیت آبی نخواهد بود و به تبع آن امنیت انرژی و امنیت غذایی را ایجاد نخواهد ساخت. اکثر سازه‌های بشر ساخت‌یافته قادر نیستند به‌طور مداوم با تغییرات محیط‌زیست سازگار باشند و چنانچه توجهی به عدم قطعیت‌ها نشود، ممکن است این ذهنیت اشتباه ایجاد شود که سیاست‌های اخذ شده برای مدیریت منابع آب، سیاست‌های سازگاری با تغییر اقلیم هستند. بدون شک طراحی سازه‌های عظیم و ناسازگار با تغییرات

اقلیمی می‌تواند تنش‌های سیاسی و مناقشات پیرامون مسائل آبی را تشدید سازند و مدیریت منابع آبی مشترک را در هم‌تنیده‌تر کنند (Dinar and Nigatu, 2013; McCracken et al., 2018).

این مسأله با توجه به اقدامات ترکیه برای منطقه غرب آسیا بسیار بغرنج خواهد بود. همانطور که نشان داده شد، کشور ترکیه از جمله کشورهایی است که بطور گسترده مأموریت هیدرولیکی و ساخت سازه‌های عظیم را در دستور کار دارد و تاکنون برخی از طرح‌ها را به اجرا درآورده است. دولت مردان ترکیه با استفاده از تاکتیک‌های ملی‌سازی منابع آب و فرصت‌سازی از منابع آب، در قالب سه دسته از پروژه‌های داخلی، فرامرزی و انتقال از ترکیه در حال بهره‌برداری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از منابع آبی هستند (شکل ۶). واکاوی این سه دسته پروژه‌ها نشان می‌دهد که نگاه سیاست‌گذاران این کشور به توسعه منابع آبی، بصورت ابزاری استراتژیک برای دستیابی به رشد، توسعه و ثبات در سطح داخلی کشور و همچنین ابزاری استراتژیک برای سیاست خارجی است. این اقدامات در نهایت تبعات اجتماعی و زیست‌محیطی برای خود کشور ترکیه و همچنین همسایگان آن دربر خواهد داشت.

۷-۱- ملی‌سازی منابع آب در ترکیه

در کشور ترکیه مسأله تأمین امنیت غذایی، امنیت انرژی و امنیت اجتماعی از اهمیت بسزایی برخوردار است. همانطور که در مقاله حاضر تشریح گردید، آنها در عمل معتقدند آب مانند نفت یک منبع صرفاً ملی است و در این راستا با ملی‌سازی منابع آن در صدد توجیه اقدامات خود هستند هر چند که در ظاهر و در اظهارنظرهای رسمی خود بر پایبندی بر اصل استفاده منصفانه و منطقی از آب تأکید می‌کنند (Tufekci, 2018). گواه این ادعا ابرپروژه‌های ده‌گانه هستند که از دهه ۱۹۶۰ در دستور کار سیاست‌گذاران ترکیه قرار گرفته‌اند. بدین طریق آن‌ها می‌توانند با اجرای طرح‌های مهار حوضه آبریز، بخش کشاورزی را توسعه دهند و تولید انرژی برقی نیز داشته باشند. دولت مردان ترکیه معتقدند چنین طرح‌هایی علاوه بر آن که نیازهای داخلی آن‌ها را تأمین می‌کند، می‌تواند به واسطه صادرات، برای این کشور درآمد اقتصادی نیز به همراه داشته باشد و امنیت غذایی و امنیت انرژی در ترکیه را نیز افزایش دهد.

این پروژه‌ها همچنین می‌توانند اقتدار بیشتری برای دولت ترکیه ایجاد کنند؛ زیرا یکی از مشکلات اجتماعی بسیار حساس در ترکیه مرتبط با اقصای شرق در این کشور است. گُردستان ترکیه حدود ۳۰ درصد از خاک ترکیه را در جنوب شرق و شرق این کشور در بر گرفته است. گُردها بزرگ‌ترین قوم غیر ترک در ترکیه هستند. به همین دلیل تعداد جمعیت بالای گُردها یک تهدید ملی برای ترکیه محسوب می‌شود.

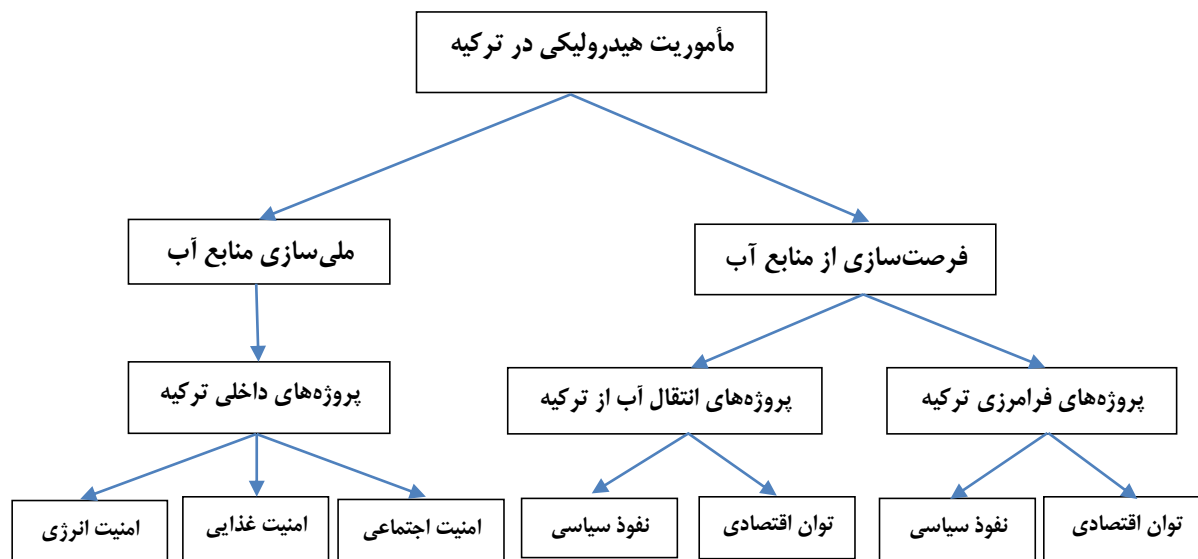


Fig. 6- Analysis the strategy of hydraulic mission in Turkey

شکل ۶- تحلیل استراتژی مأموریت هیدرولیکی کشور ترکیه

۷-۲- فرصت سازی از منابع آب در ترکیه

کشور ترکیه درصدد است که به واسطه پروژه های انتقال آب، وابستگی آبی بیشتری بین کشورهای خشک منطقه، که با این کشور فاصله ی بیشتری دارند ایجاد کند و با ایجاد این وابستگی آبی، قدرت خود را در منطقه افزایش دهد. قابل ذکر است که این طرح ها در جایی پیشنهاد شده اند که ابعاد سیاسی، اجتماعی و طبیعی وابسته به طرح های انتقال آب بسیار بحث برانگیز بوده است و عدم قطعیت های اقلیمی و اقتصادی فراوان علاوه بر عدم قطعیت های سیاسی و اجتماعی، به سبب وجود تروریسم و عدم ثبات سیاسی کشورهای خشک اطراف ترکیه وجود دارد. وجود تروریسم تهدیدی بسیار جدی برای سازه های آبی محسوب می شود؛ زیرا تخریب سازه های بزرگ مقیاس آبی مانند سد می تواند در برخی موارد خطرناک تر از سلاح های جنگی باشد. نمونه چنین استفاده ای اقدامات داعش در حوضه آبریز دجله و فرات است. گروه داعش در ابتدای فعالیت خود برای اشغال بیشتر مناطق عراق اقدام به تصرف منابع آبی، در دست گرفتن کنترل آنها و واداشتن ساکنان این مناطق به ترک خانه های خود، موجب تغییر ساختار جمعیتی از یک سو و فراهم کردن زمینه تصرف این مناطق از سوی دیگر شد. داعش با استفاده ابزاری از منابع و تأسیسات آبی و شبکه های آبرسانی به عنوان سلاح راهبردی سعی داشت که سیطره بر شهرها و مناطق همجوار را برای خود فراهم کند. برای نمونه، سد موصل هفتم آگوست سال ۲۰۱۴ میلادی توسط داعش تصرف شد. سد موصل بزرگترین سد عراق و چهارمین سد خاورمیانه است و فروپاشی آن می توانست سبب ۲۰ متر زیر آب رفتن تمام شهر موصل و کشته شدن بیش از ۵۰ هزار نفر شود. این سد آب و برق یک میلیون عراقی را تأمین می کند که توان

فقر، بیکاری و محرومیت در نواحی جنوب شرق و شرق ترکیه موجب پدید آمدن گروه پ.ک.ک از دهه ی ۱۹۷۰ شده است. پ.ک.ک، خواستار خودمختاری در مناطق کُردنشین است که این مسأله همواره با واکنش تند نظامی ترکیه را به همراه داشته است. این درگیری ها ترکیه را ناامن کرده است و مشکلاتی را برای دولت و مردم به وجود آورده است. برای نمونه، درگیری بین ترک ها و پ.ک.ک تا کنون بیش از پنجاه میلیارد دلار برای ترکیه هزینه داشته است. موضوع چگونگی مصرف آب و اجرای پروژه های داخلی در کشور ترکیه، مخصوصاً پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ)، بحث های بسیاری در مناطق کُردنشین ایجاد کرده است. این پروژه محل سکونت بسیاری از کُردهای ترکیه را نابود می کند و تهدیدی برای کُردنشینان عراق و سوریه نیز است (Koolae et al., 2016). پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ) با هدف تغییر بافت جمعیتی کُردهای این کشور و دور نمودن آنان از مناطق کُردنشین کشورهای همسایه طرح ریزی شده است و به دنبال جابه جایی و تغییر بافت قومیتی کُردهای این کشور است. بنابراین این پروژه می تواند اقتدار دولت ترکیه را در برابر کُردنشینان بالا ببرد و مانع از فعالیت های قومیتی در این کشور شود. لذا ترکیه با ملی سازی منابع آب، به دنبال اهداف اقتصادی و کسب اقتدار است و ملی سازی منابع آب بخوبی می تواند چنین اهدافی را برای ترکیه رقم زند. این درحالی است که عدم توجه به تبعات زیست محیطی و اقلیمی می تواند در دراز مدت نتایج چنین اقداماتی را خلاف تصور دولت مردان این کشور ایجاد کند.

ذخیره‌سازی ۱۲ میلیارد متر مکعب آب را داراست. میزان آبی که در صورت شکسته شدن سد ریزش خواهد کرد حدود ۶۰۰ هزار متر مکعب در ثانیه برآورد شده است، در حالی که رودخانه دجله توان پذیرش ۳۵۰۰ متر مکعب در ثانیه از این آب را دارد. لذا وجود چنین مسائلی امنیتی در منطقه، به جد ادعای اقتصادی و منطقی بودن چنین طرح‌هایی را با چالش مواجه می‌کند.

از سوی دیگر و براساس شواهد مطروحه، واضح است که مطرح شدن انتقال و فروش آب از ترکیه به کشورهای مجاور و برخی کشورهای غیرمجاور منطقه صرفاً با هدف جبران کمیابی آب نیست؛ زیرا حجم آب انتقالی تنها بخش بسیار کوچکی از کمبود آن کشورها را می‌تواند جبران کند. درحالی که این طرح‌ها، هزینه‌های اقتصادی، امنیتی و محیط‌زیستی بسیاری به همراه دارند. لذا پیشنهاد و پیگیری این طرح‌ها توسط ترکیه، عمدتاً با اهدافی سیاسی نظیر احیای قدرت امپراتوری عثمانی و تلاش برای رهبری منطقه پیرامونی دنبال می‌شود. فرصت‌سازی از منابع آب به‌خوبی می‌تواند این اهداف را برای ترکیه ایجاد سازد و مکانیزم ایجاد فرصت برای تخطی بیشتر که از مکانیزم‌های فرصت‌سازی است بخوبی در چنین اقداماتی نمایان است.

۷-۳- بررسی تبعات رویکرد هیدروپلیتیکی کشور ترکیه در منطقه

شبهات‌های بسیاری را می‌توان در فعالیتهای هیدروپلیتیکی ترکیه با سایر کشورهای که در موقعیت جغرافیایی مشابه واقع شده‌اند دید. کشورهایی مانند افغانستان (بالادست در رودخانه هیرمند)، تاجیکستان (بالادست رودخانه آمودریا) و اتیوپی (بالادست در رودخانه نیل) از جمله آن کشورها هستند. این مسأله را می‌توان الگوسازی از اقدامات کشور ترکیه در سایر کشورها خواند؛ زیرا کشور ترکیه در زمان رأی‌گیری «کنوانسیون قوانین بهره‌برداری غیرکشتیرانی از آبراهه‌های بین‌المللی» در سال ۱۹۹۷ در سازمان ملل متحد، یکی از سه کشوری بود که به این کنوانسیون رأی منفی داد. به نظر می‌رسد ترکیه به دنبال یارگیری در سطح جهانی از میان کشورهای بالادستی مانند افغانستان، تاجیکستان و اتیوپی است تا بتواند با ایجاد یک رویه و گفتمان ویژه در خصوص بهره‌برداری از آب‌های مشترک در جهان الگوسازی کند و همراهی آنان را در این راستا داشته باشد و با جهانی‌سازی این رویه بتواند با مصادیق کنوانسیون ۱۹۹۷ سازمان ملل متحد مقابله نماید. براین اساس، پیش‌بینی می‌شود اقدامات و فعالیتهای ترکیه در حوزه هیدروپلیتیک و دیپلماسی آب بتواند در سایر کشورهای غیرهمسایه با این کشور از جمله افغانستان و همچنین تاجیکستان اثرگذار باشد. افغانستان و تاجیکستان کشورهای پر آب در شرق کشور ما هستند که

سرچشمه‌ی رودخانه‌های بین‌المللی مهمی (هیرمند، هریرود و آمودریا) می‌باشند و تقریباً غنی از منابع آبی هستند. الگوبرداری از رویکرد ترکیه، می‌تواند بر امنیت آبی و هیدروپلیتیکی شرق کشور ما که عمدتاً وابسته به منابع آب فرامرزی ورودی است نیز اثرگذار باشد.

گواه این ادعا، همانطور که تشریح شد سرمایه‌گذاری ترکیه در پروژه‌های فرامرزی کشور افغانستان و کمک این کشور در استفاده و بکارگیری رویکرد دکترین هارمون است. دکترین هارمون در حال حاضر در سیاست آبی افغانستان نیز مشهود است. محمدشرف غنی، سیزدهمین رئیس‌جمهور افغانستان، در اسفند ماه سال ۱۳۹۷ اظهار کرد: «ما برای مهار آب سرمایه‌گذاری می‌کنیم؛ زیرا هر قطره آب افغانستان از نفت همسایه‌ها قیمتی‌تر خواهد بود» (Nawaz, 2009). وی در این سخنرانی اشاره کرد با توسعه سد کجکی بر روی رودخانه هیرمند یک میلیارد مترمکعب آب بیشتر ذخیره می‌شود و صد مگاوات برق تولید خواهد شد. این درحالی است که انسداد مسیر طبیعی رودخانه هیرمند در کشور افغانستان سبب می‌شود با خشکی تالاب‌های بین‌المللی هامون و اثرات بالقوه تغییر اقلیم، تبعات نامطلوب وسیعی در منطقه سیستان رخ دهد و زندگی مردم این منطقه را به شدت تحت تأثیر این نوع اقدامات یک جانبه‌ی دولت افغانستان قرار گیرد.

ترکیه با کمک قلمروسازی گفتمانی در تلاش است نقش و نفوذ خود را در افغانستان گسترده‌تر کند. براین اساس، این کشور براین اساس، این کشور در نوامبر ۲۰۱۰ میزبان چهارمین کنفرانس همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای راجع به افغانستان (ریکا) در استانبول بوده است و با برگزاری اجلاس‌هایی کوشیده است تا در جهت حل مسائل منطقه گام بردارد. تعداد بورس‌های تحصیلی برای دانشجویان افغانستانی را افزایش داده است، دو شبکه‌ی تلویزیونی در این کشور دایر کرده است و برای توسعه اقتصادی افغانستان در حال سرمایه‌گذاری است. لذا واکاوی و بررسی دقیق اقدامات کشور ترکیه که پیشرو در استفاده حداکثری از منابع آبی است می‌تواند برای پیش‌بینی اقدامات کشورهای مذکور بویژه مواجهه با اقدامات هیدروپلیتیکی شرق کشور نیز مفید واقع شود.

۸- نتیجه‌گیری

آب مسأله‌ای است که با توجه به شرایط اقلیمی ایجاد شده به ابزاری بسیار نرم برای پیشبرد اهداف و نفوذ سیاسی تبدیل شده است. منابع آبی مرزهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را به رسمیت نمی‌شناسند و ماهیت اشتراکی و فرامرزی دارند. لذا استفاده بدون محدودیت از منابع آب فرامرزی و مشترک در یک کشور می‌تواند بطور مستقیم و

غیرمستقیم بر ابعاد مختلف امنیت از جمله امنیت آبی کشورهای ساحلی واقع در حوضه اثرگذار باشد. در پیش گرفتن مأموریت هیدرولیکی می‌تواند توهم تأمین امنیت آبی برای بخش‌های مختلف را به همراه داشته باشد؛ اما بهای آن ایجاد چالش‌های جدید امنیتی برای سایر ذی‌مدخلان است. بنابراین عطش توسعه‌یافتگی که برگرفته از مکتب فکری نوسازی است با وجود تغییرات اقلیمی، در بلند مدت برای امنیت آبی بسیار چالش برانگیز خواهد بود.

از این‌رو، پیشبرد استراتژی مأموریت هیدرولیکی علاوه بر آنکه دستاوردهای متعدد و فرصت‌های بسیاری برای پیشبرد اهداف گوناگون می‌تواند به همراه داشته باشند، می‌تواند منجر به تشدید تنش‌های متعددی نیز شوند و تبعات جبران‌ناپذیری را به همراه داشته باشند. به همین جهت توجه به دانش و تجربیات بومی در مناطق مختلف ضروری است تا بتوان برای مدیریت سامانه‌های درهم‌تنیده منابع آبی، رویکردها و راهکارهای نوین و متناسب با شرایط و سازگار با شرایط اقلیمی، زیست‌محیطی و اجتماعی در هر منطقه ارائه کرد.

شواهد متعدد ارائه شده در این مقاله بیانگر آن است که استفاده از آب در فضای بین‌الملل فراتر از تأمین نیازهای بشری است و این منبع حیاتی بشر، به وسیله‌ای برای کسب قدرت و نفوذ سیاسی مبدل شده است و ایجاد وابستگی به ضروری‌ترین منبع برای حیات بشر وسیله‌ای برای کسب قدرت خواهد بود. لذا توجه به تأثیر آب بر سیاست و سیاست بر آب در کنار عواملی مانند تغییرات اقلیمی و چالش بسیار جدی تروریسم در دنیا بویژه در منطقه شدت پرتنش غرب آسیا از اهمیت بسیار جدی برخوردار است. به همین دلیل طراحی و اتخاذ سیاست‌های جامع جهت مواجهه (کنش و واکنش) با اقدامات بلندپروازانه کشورهای منطقه بویژه کشورهای همسایه ایران از جمله کشور ترکیه که اثرگذاری مستقیم بر امنیت آب و محیط‌زیست کشور ایران دارند، ضروری است. طراحی چنین سیاست‌هایی مستلزم آشنایی با شرایط اقلیمی، هیدرولوژیکی و هیدروپلیتیکی کشورها در موقعیت‌های مختلف است.

نتایج مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که مطرح شدن طرح‌های انتقال آب در منطقه غرب آسیا توسط ترکیه صرفاً با هدف جبران کمبود آبی در کشورهای مقصد نیست؛ زیرا حجم آب انتقالی تنها بخش بسیار کوچکی از کمبود در کشورهای هدف را می‌تواند جبران کند. درحالی‌که هزینه‌های اقتصادی و امنیتی و زیست‌محیطی بسیاری به همراه دارند. لذا پیشنهاد و پیگیری این طرح‌ها توسط ترکیه، عمدتاً با اهداف سیاسی و امنیتی از جمله قلمروسازی و احیای قدرت امپراتوری عثمانی و تلاش برای رهبری منطقه پیرامونی در کنار عواید

اقتصادی دنبال می‌شود، این درحالی است که این طرح‌ها چالش‌های محیط‌زیستی، سیاسی و اجتماعی بسیاری به همراه دارند. ایجاد وابستگی به ضروری‌ترین منبع برای حیات بشر، یکی از استراتژی‌ها و ابزارهای ترکیه برای کسب قدرت در منطقه شدت بحرانی غرب آسیا است.

۹- تشکر

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از داوران بزرگواری که با همکاری و ارائه نظرات ارزنده خود موجب غنای پژوهش حاضر شدند، تشکر و قدردانی نمایند.

۱۰- مراجع

- Akpınar A, Kömürçü Mİ, and Kankal M (2011) Development of hydropower energy in Turkey: The case of Çoruh river basin. *Renewable and Sustainable Energy Reviews* 15(2):1201–1209
- Al-Ansari N (2016) Hydro-Politics of the tigris and euphrates basins. *Engineering Scientific Research Publishing* 8(3):140–172
- Allan T (2002) *The middle East water question: Hydropolitics and the global economy*. London/New York: I.B. Tauris Publishers, 400p
- Allan T (2006) *Millennial water management paradigms: Making IWRM work*. Arab Decision Makers Project 16p
- Allouche J (2005) *Water nationalism: An explanation of the past and present conflicts in central Asia, the middle East, and the Indian sub-continent*. Ph.D. Thesis., University of Geneva, 404p
- Allouche J (2010) *The multi-level governance of water and state-building processes: A longue duree perspective*. Routledge, Taylor & Francis Group, 392p
- Aras E (2018) *Effects of multiple dam projects on river ecology and climate change: Çoruh River Basin, Turkey*. *Advances in Environmental Research* 7(2):121–138
- Ataman, Muhittin (2002) *Leadership change: Özal leadership and restructuring in Turkish foreign policy, alternatives*. *Turkish Journal of International Relations* 1(1):120–154
- Balali M-R, Korthals J, and Keulartz M (2011) *Reflexive land and water management in Iran: Linking technology, governance, and culture, Part1: Land and water management paradigms*. *Water Research Agriculture* 24(2):73–99 (In Persian)

- Fasihi Harandi M (1395) Damming; Engineering as oscar or golden raspberry. Eastern Newspaper, 3, (In Persian)
- Forughi A, Najafi D, and Masoudnia H (2012) Impact of Iran's nuclear program, on Turkey's national security (in light of the theory of balance of power). Strategic Research on Social Problems in Iran University of Isfahan 1(2):69–84 (In Persian)
- Ghoreishy SZ, Mianabadi H, and Mousavi Shafae SM (2019) The role of power in water diplomacy. Iran-Water Resources Research 15(2):242–264 (In Persian)
- Grigg NS (2019) IWRM and the nexus approach: Versatile concepts for water resources education. Journal of Contemporary Water Research & Education 166(1):24–34
- Gruen G (2007) Turkish water exports: A model for regional cooperation in the development of water resources. In: Shuval H and Dweik H (eds) Water Resources in the Middle East. Springer Berlin Heidelberg New York, 157–162
- Gupta J and Pahl-Wostl C (2013) Global water governance in the context of global and multilevel governance: Its Need, Form, and Challenges. Ecology and Society 18(4):1–10
- Gürer Ý and Ülger M (2007) Manavgat river water: A limited alternative water resource for domestic use in the Middle East. In: Shuval H and Dweik H (eds) Water resources in the Middle East. Springer-Verlag Berlin Heidelberg 175–184
- Haftendorn H (2000) Water and international conflict. Third World Quarterly 21(1):51–68
- Hammond M (2013) The grand ethiopian renaissance dam and the Blue Nile: Implications for transboundary water governance. Global Water Forum
- Hussein M (2020) Vision 2023: Turkey and the post-Ottoman anniversary. Latest News, <https://www.middleeastmonitor.com/20180212-vision-2023-turkey-and-the-post-ottoman-anniversary/>
- Ibrahim G and Sonmez B (2002) Water issues among the riparian states of Euphrates and Tigris transboundary rivers. In: Castelein S (ed) From Conflict to Cooperation in International Water Resources Management: Challenges and Opportunities. Delft, The Netherlands: UNESCO., 278–286
- Iyob B (2010) Resilience and adaptability of transboundary rivers: The principle of equitable distribution of benefits and the institutional capacity of the Nile Basin. Oregon State University, Corvallis, Oregon, USA, Oregon State University
- Bazza M and Najib R (2003) Towards improved water demand management in agriculture in the Syrian Arab Republic. First National Symposium on Management and Rationalization of Water Resources Use in Agriculture. Damascus, Syria: University of Damascus, 1–22
- Campana ME, Vener BB, and Lee BS (2012) Hydrostrategy, hydropolitics, and security in the Kura-Araks Basin of the South Caucasus. Journal of Contemporary Water Research & Education 149(1):22–32
- Conker A (2018) Understanding Turkish water nationalism and its role in the historical hydraulic development of Turkey. The Journal of Nationalism and Ethnicity ISSN: Taylor & Francis 46(5):877–891
- Conker A and Hussein H (2019) Hydraulic mission at home, hydraulic mission abroad? Examining Turkey's regional 'Pax-Aquarum' and its limits. Sustainability 11(1):1–20
- Cullather N (2002) Damming Afghanistan: Modernization in a buffer state. The Journal of American History 89(2):512–537
- Daily M (1987) Fırat'ın suyunu çok ucuza sattın (You have sold the waters of the euphrates cheaply), Milliyet Daily. July 17
- Daneshnia F, Nazarpour D, and Salimi A (2015) Understanding Turkish new foreign policy in the framework of Ahmet Davutoglu's Strategic depth doctrine. International Relations Research 5(17):169–200 (In Persian)
- DAP (2020) DAP bolge kalkinma idaresi baskanligi. Sanayi ve Teknoloji Bakanligi, Sanayi ve Teknoloji Bakanligi, <http://www.dap.gov.tr/>
- Darama Y and Seyrek K (2016) Determination of watershed boundaries in Turkey by GIS based hydrological river basin coding. Journal of Water Resource and Protection 8(11):965–981
- DOKAP (2019) Eastern black sea project regional development administration (DOKAP). Sanayi ve Teknoloji Bakanligi, <https://www.dokap.gov.tr/>
- Dinar A and Getachew S N (2013) "Distributional considerations of international water resources under externality: The case of Ethiopia, Sudan and Egypt on the Blue Nile". Water Resources and Economics 2(3):1–16
- ESCWA and BGR (2013) Inventory of shared water resources in Western Asia. New York, NY. Available at: <https://waterinventory.org>

- Kramer A, and Scheumann W (eds) Turkey's Water Policy, Springer-Verlag Berlin Heidelberg 229–249
- Ludwig F and et al. (2016) Perspectives on climate change impacts and water security. In Handbook on Water Security, eds. Claudia Pahl-Wostl, Anik Bhaduri, and Joyeeta Gupta. Edwards Elgar Publishing, Cheltenham, UK, 139–160
- Mccaffrey S (1996) The harmon doctrine one hundred years later: Buried, not praised. *Natural Resources Journal* 36(3, Part 2):549–590
- Menga F (2015) Building a nation through a dam: The case of Rogun in Tajikistan. *Nationalities Papers* 43(3):479–494
- Menga F (2016) Domestic and international dimensions of transboundary water politics. *Water Alternatives* 9(3):704–723
- Mianabadi H (2014) Political, security, and legal considerations in managing border rivers. *International Relations Research* 3(9):203–233 (In Persian)
- Mianabadi H (2016) *Hydropolitics and conflict management in transboundary river basins*. Ph.D. Thesis, Delft University of Technology
- Mianabadi H and Amini A (2019) Complexity of water, politics, and environment in the euphrates and tigris river basins. *Geopolitics* 15(54):54–86 (In Persian)
- Molle F (2009) River-basin planning and management: The social life of a concept. *Geoforum*, Pergamon 40(3):484–494
- Molle F, Mollinga PP, and Wester P (2009) Hydraulic bureaucracies and the hydraulic mission: Flows of water, flows of power. *Water Alternatives* 2(3):328–349
- Mousavi Shafaie SM and Emerald Z (1396) Geopolitics of gas and Turkish intervention in Syria. *Strategic Policy Research* 6(22):147–175 (In Persian)
- McCracken M, Peters L E R, and Wolf A T (2018) “Megatrends in shared waters in 2030 and beyond”. In *Assessing Global Water Megatrends*, ed. Rohner P Biswas A., Tortajada C. *Water Resources Development and Management*. Springer, Singapore, 105–23
- Michel D and Pandya A (2009) *Troubled waters: Climate change, hydropolitics, and transboundary resources*. Stimson Center Press, Washington DC, USA.
- Milly P C D et al. (2008) “Stationarity Is Dead: Whither Water Management?” *Science* 319(5863):573–574
- Jagers K (1992) War and the three faces of power: War making and state making in Europe and the Americas. *Comparative Political Studies* 25(1):26–62
- Juvonen H (2015) *Nexus for what? Challenges and opportunities in applying the water-energy-food nexus*. Master Thesis, Aalto University, Finland
- Kaika M (2006) Dams as symbols of modernization: The urbanization of nature between geographical imagination and materiality. *Association of American Geographers* 96(May 2005):276–301
- Kankal M, Nacar S, and Uzlu E (2016) Status of hydropower and water resources in the Southeastern Anatolia Project (GAP) of Turkey. *Energy Reports* 2:123–128. Available at: <http://linkinghub.elsevier.com/retrieve/pii/S2352484716300166>
- Kaya I (1998) The Euphrates-Tigris basin: An overview and opportunities for cooperation under international law. *Conflict Resolution and Transboundary Water Resources* 44:1–10, Available at: <https://ag.arizona.edu/OALS/ALN/aln44/kaya.html>
- Kerisel J (2001) *The Nile and its Masters: Past, present, future: Source of hope and anger*. CRC Press
- Klaphake A and Kramer A (2011) Kura-Aras river basin: Burgeoning transboundary water issues. In: Kibaroglu A, Kramer A, and Scheumann W (eds) *Turkey's water policy*. Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg 263–275.
- Klaphake A and Scheumann W (2011) Coruh river basin: Hydropower development and transboundary cooperation. In: Kramer A, Kibaroglu A and Scheumann W (eds) *Turkey's Water Policy*. Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg 251–261
- Kliot N (1994) *Water resources and conflict in the Middle East*. Progress in Human Geography, London: Routledge.512p
- Koolae E, Hariri R, and Asadikia B (2016) Kurdish question and its impact on Iran-Turkey relations. *Geopolitics Quarterly* 12(43):1–27 (In Persian)
- KOP (2016) KOP bolge kalkinma idaresi baskanligi. Turkey Kop Regional Development Administration, <http://www.kop.gov.tr/>
- Kouzehgar-Kaleji V (2019) Political-economic considerations of Tajikistan's Rogun dam and power plant. *Eastern Iran*, 3 (In Persian)
- Kraak E (2012) Diverging discourses on the Syr Darya. *Geography, Environment, Sustainability* 5(2):36–50
- Kramer A and Schellig A (2011) Meric river basin: Transboundary water cooperation at the border between the EU and Turkey. In: Kibaroglu A,

- chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/field/file/document/20150413Euphrates_0.pdf
- Skoulidakis C and Zafirakou A (2019) River basin management plans as a tool for sustainable transboundary river basins' management. *Environmental Science and Pollution Research* 26(15):14835–14848
- Sputnik (2017) The third power turbine has been installed at the Kajaki Dam. Available at: <https://af.sputniknews.com/afghan/201701241097926/>
- Swyngedouw E (1999) Modernity and hybridity: nature, regeneracionismo, and the production of the Spanish waterscape, 1890-1930. *Annals of the Association of American Geographers* 89(3):443–465
- Taghdisi A and Hedayatimoghaddam Z (2012) Comparative study of functionalism school in geography with other geographic schools. *Scientific-Research Quarterly of Geographical Data* 20(80):7–12 (In Persian)
- TCMB (2015) Faaliyet Raporu 2015. Türkiye Cumhuriyet Merkez Bankası
- TCTOB (2013) Bati karadeniz gelismis Projesi BAKGEP. Republic of Turkey Ministry of Forestry and Water Affairs, Available at: <http://sgb.ormansu.gov.tr/sgbtest/Files/GEP/BAKGEP.pdf>
- TCTOB (2016a) Kakkinmanin anahtari TRAGEP trakya gelismis Projesi (2013-2017). Republic of Turkey Ministry of Forestry and Water Affairs, Available at: <http://ergene.ormansu.gov.tr/ergene2/Files/TRAGEP.pdf>
- TCTOB (2016c) MarMara gelismis projesi (MarMaraGEP). Republic of Turkey Ministry of Forestry and Water Affairs, Available at: <http://sgb.ormansu.gov.tr/sgbtest/Files/GEP/MARMARAGEP.pdf>
- TCTOB (2016b) Akdeniz gelismis projesi (AkdenizGEP). Republic of Turkey Ministry of Forestry and Water Affairs
- Thomas V and Varzi MM (2015) A legal licence for an ecological disaster: the inadequacies of the 1973 Helmand/Hirmand water treaty for sustainable transboundary water resources development. *International Journal of Water Resources Development* 31(4):499–518
- Tigrek S and Kibaroglu A (2011) Strategic role of water resources for Turkey. In: Kibaroglu A, Kramer A and Scheumann W (eds) *Turkey's Water Policy*. Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg 27–42
- Nagheeb M (2014) Water has become Turkey's playing tool in the region. *Iran Diplomacy*, <http://www.irdiplomacy.ir/fa> (In Persian)
- Nagheeb M and Warner J (2018) The geopolitical overlay of the hydrogeopolitics of the Harirud. *International Environmental Agreements: Politics, Law and Economics*. Springer Netherlands 18(6):839–860
- Nawaz S (2009) Ghani, Ashraf-transcript, Atlantic council, Washington, D.C., <https://www.atlanticcouncil.org/commentary/transcript/ghani-ashraf-4-22-2009-transcript/>
- Orlowska I (2013) Forging a nation: the Ethiopian millennium celebration and the multiethnic state. *Nations and Nationalism* 19(2):296–316
- Özkar (2015) Gap, Kop, Dap Ve Tragep İle 10,8 Milyar Dolar Katlı Sağlanacak (With Gap, Kop, Dap And Tragep 10.8 Billion Dollars Will Be Provided). www.kamugundemi.com. Available at: <https://www.kamugundemi.com/gudem/gap-kop-dap-ve-tragep-ile-108-milyar-dolar-katli-saglanacak-h44373.html>
- Patterson K (2008) Who owns transnational water? Available at: <https://www.stimson.org/2008/who-owns-transnational-water/>
- Rende M (2007) Water transfer from Turkey to water-stressed countries in the Middle East. In: Shuval H and Dweik H (eds) *Water resources in the Middle East*. Springer Berlin Heidelberg New 165–175
- Rostami F and Naderi M (2015) Water shortage crises and rupture in national security. *International Relations Research* 5(15):161–192 (In Persian)
- Ruettinger L, Morin A, Houdret A, Taenzler D, and Clementine B (2011) Water, crisis and climate change assessment framework. Adelphi, 54p
- Rusca M, Dos Santos T, Menga F, Mirumachi N, Schwartz K, and Hordijk M (2018) Space, state-building and the hydraulic mission: Crafting the Mozambican State. *Environment and Planning C: Politics and Space* 1–21
- Scheumann W, Sagsen I, and Tereci E (2011) Orontes river basin: Downstream challenges and prospects for cooperation. In: Kramer A, Kibaroglu A, and Scheumann W (eds) *Turkey's Water Policy*. Berlin, Heidelberg: Springer Berlin Heidelberg 301–312
- Selby J (2005) Oil and water: The contrasting anatomies of resource conflicts. *Government and Opposition* 40(2):200–224
- Shamout N and Lahn G (2015) The euphrates in crisis channels of cooperation for a threatened river. Chatham House. Available at: <https://www.chathamhouse.org/2015/04/euphrates-in-crisis-channels-of-cooperation-for-a-threatened-river>

- context of private groundwater use in the Izmir Province, Turkey. *Water Alternatives* 11(2):421–438
- Wadsom (2016) Signing of agreement on development of Kajaki dam with Turkish company. Available at: <https://dari.wadsam.com>
- Wester P (2009) Capturing the waters: The hydraulic mission in the Lerma–Chapala Basin, Mexico (1876–1976). *Water Hist* 1(1):9–29
- Yildiz D (2018) The Peece Water Pipeline and innovative hydro diplomacy. *World Water Diplomacy & Science News* 3(4):1–9
- Zeitoun M (2007) Palestinian-Israeli water: Secure or violated securitization, opportunitisation and violation along the Jordan River. In: Shuval H and Dweik H (eds) *Water Resources in the Middle East*. Springer-Verlag Berlin Heidelberg 213–225
- Zeitoun M, Mirumachi N, Warner J, Kirkegaard M, and Cascao A (2019) Analysis for water conflict transformation. *Water International*, Routledge 3(3):1–20
- Svendsen M and Nana K (2009) *Water and adaptation to climate change: Consequences for developing countries*. GTZ Press, Berlin
- TOB (2015) Bereketin ADI EGEGEP, EGE gelisim projesi (2015-2019). Turkey Ministry of Agriculture and Forestry, Available at: https://drive.google.com/file/d/1oJtda2Zh_hvkZQnaiGB1IKuFqDsqbta_/view
- Tufekci Z (2018) Turkish dam won't impact Iraq's water supply: Diplomat. Anadolu Agency. Available at: <https://www.aa.com.tr/en/todays-headlines/turkish-dam-won-t-impact-iraq-s-water-supply-diplomat/1167403>
- Turan I (2011) The water dimension in Turkish foreign policy. In: Kibaroglu A, Kramer A, and Scheumann W (eds) *Turkey's water policy*. Berlin Heidelberg: Springer, Berlin, Heidelberg 179–195
- Visage S Le, Kuper M, Venot J-P, Yercan M, and Atış E (2018) Pursuing the state's hydraulic mission in a